



نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 100

سری سوم، شماره ۱۰۰

December 2021

آذر ۱۴۰۰

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
E_mail: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei
E_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



RahaiZan

مطالب
اعلام همکاری نشریه رهایی زن با فعالین زنان افغانستان رسانه ی نیمرخ
مینو همتی

نه به قوانین و فرهنگ زن ستیز
مریم مرادی

جوان سازی جمعیت، معامله با جسم زن
شراره رضایی

روز جهانی محو خشونت علیه زنان و صد روزه شدن حکومت طالبان در افغانستان
تهیه و تنظیم: سحر صامت

خشونت علیه زنان
فریبا رشیدی

فریاد عدالت خواهی زنان در برابر نظام ظالم
عارفه فاطمی

بیانیه 27 تشکل مستقل زنان ایرانی به مناسبت 25 نوامبر 2021

بیانیه کمپین توقف قتل های ناموسی به مناسبت 25 نوامبر
"دنیا را نارنجی کن"

توقف فوری قتل های ناموسی را در ایران و عراق و افغانستان در دستور بگذاریم!

میهمانان برنامه: فریبا رشیدی؛ مریم مرادی؛ نظیره معماری

گزارشی از انجمن زنان ایرانی دالاس
گزارش از: پروانه عظیمی

به بهانه روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان
بهاره شرفی

گرامیداشت روز جهانی منع خشونت علیه زنان
سحر باباسلجی



پیام **بیدا ساغری** به مردم افغانستان و جهان
هیراد پیریداقی را آزاد کنید

پیام **فریبا رشیدی** روز جهانی منع خشونت
شعری از: **مهناز بدیهیان** "سایه"

گرامیداشت روز جهانی منع خشونت علیه زنان
سنندج

اعتراضات زنان ترکیه روز جهانی منع خشونت
علیه زنان

تبریک سال نو میلادی سازمان رهایی زن
شعر: "خیزش رازبانه ها" از: **مهناز بدیهیان**

● **ستون آزاد**
"به رسمیت شناسی طالبان؛ مشروعیت بخشی خشونت" رویکرد نیمرخ به مناسبت 25 نوامبر

چه کسانی در خیابان های کابل اعتراض کردند
گزارشگر: **حسین احمدی**

«برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان به امید طالبان نباید نشست»
مرتضی احمدی

● **ستون خبری**

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو

توجه: نظر به اهمیت حمایت و همبستگی با فعالین جنبش رهائی زنان در افغانستان و در این برهه حساس تاریخی که حاکمیت ارتجاع اسلامی بر زندگی و مبارزه زنان در راه رهائی سایه افکنده است و بسیاری رسانه ها بطور دائم و یا موقت قادر به انتشار نیستند. بر آن شدیم که صفحات **ستون آزاد ماهنامه رهائی زن** را به رسانه نیمرخ اختصاص دهیم و میزبان نویسندگان نیمرخ باشیم تا مخاطبین آن نشریه در این دوران انتقالی از مطالب مورد علاقه خود محروم نباشند. با توجه به برد وسیع ماهنامه رهائی زن در ایران و افغانستان و سایر نقاط جهان، امیدواریم بتوانیم پژواک صدای زنان افغانستان و نوری از امید در این دوران تاریک باشیم. به امید روزهای بهتر



مینو همتی

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org



از سال 1981 تا به امروز، 25 نوامبر هر سال (معادل چهارم آذر) به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان نام گرفت. اگر چه این روز یادآور عزم همگانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان انتخاب شده است اما با رشد فزاینده خشونت علیه زنان میتوان به این نتیجه رسید که هر روز باید در برابر هر نوع خشونت علیه زنان ایستاد و مبارزه کرد. اکنون چهل سال از آن روز گذشته است اما هنوز خشونت علیه زنان در سرتا سر جهان ادامه دارد!

یکی از عوامل اصلی خشونت علیه زنان، اعمال قدرت مردان بر اساس ساختار نابرابر اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های مردسالارانه و تسلط مردان بر سرنوشت زنان می‌باشد. بر اساس باورهای نادرست و آموزه‌های مردسالارانه، به زنان به عنوان جنس دوم و پایین‌تر از مردان نگاه می‌شود. این امر موجب شده است تا خشونت علیه زنان مشروعیت یافته و توجیه شود. 25 نوامبر از سوی سازمان ملل متحد به‌خاطر نکوهش خشونت علیه زنان به عنوان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» نام‌گذاری شده است، تا در این روز خشونت علیه زنان به بحث گرفته شود و عوامل و زمینه‌هایی که باعث خشونت علیه زنان می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرند، یا حداقل در این روز به زنان خشونت اعمال نشود.

در سالهای اخیر خشونت علیه زنان در ایران بطور چشمگیری رو به افزایش بوده و به شکل‌های مختلفی اعمال می‌شود. گرچه از آن به عنوان یک آسیب اجتماعی یاد می‌کنند، اما

در حقیقت خشونت ساختاری و گرفته باشد. در قوانین فعلی هیچ سازوکاری برای محافظت از زن خشونت دیده یا تهدید شده وجود ندارد. در بسیاری موارد، زنی که کتک یا چاقو خورده و یا تهدید به مرگ شده، حتی پس از شکایت به مراجع قضایی مربوطه و یا درمان، مجبور است به همان خانه‌ای باز گردد که عامل خشونت در آن است. همچنین در این قوانین پیش‌بینی خاصی درباره حمایت از زنان خشونت دیده پس از طلاق یا شکایت قضایی نشده است. در حالی که در بسیاری از موارد خشونت‌ها حتی پس از ترک خانه یا اجرای حکم زندان، جریمه و پرداخت دیه همچنان وجود دارد. مشخص نیست که زنان چه راهکاری برای گریز از صدمات احتمالی خشونت‌گر در آینده دارند؟!

به درستی میتوان دریافت که هیچ امیدی به حمایت از این مواد قانونی وجود ندارد و اگر هم باشد با موانع بسیار روبه‌روست. اثبات سوء رفتار همسر و رسیدن به عسر و حرج دشوار است و نداشتن استقلال مالی هم اغلب زنان تحت خشونت را وادار به سازش و تحمل وضعیت اسفبار می‌کند. مجازات‌های تعیین شده برای مردان در این قوانین بسیار ناکارآمد بوده و قابل جبران مالی است و تحت همین چتر حمایتی است که گریز افراد خشونت‌گر از قانون را فراهم می‌کند.

قوانینی که نسبت به زنان تبعیض آمیز است، در ترویج خشونت و تبعیض علیه زنان نقش اساسی دارد. در حقیقت قوانین، فرهنگ خاص خود را در جامعه ایجاد می‌کند. یکی از عوامل مؤثر در کاهش خشونت علیه زنان در جامعه ایران، تغییر قوانینی است که در حال حاضر به تولید فرهنگ و ارزش‌های تبعیض آمیز و خشونت‌گر در جامعه دامن می‌زنند.

چرا خشونت علیه زنان در ایران به یک بحران تبدیل شده است؟ چرا قانون در ایران نقش بازدارنده ندارد؟

واضح است که قانون هم جزئی از این ساختار زن‌ستیز است. چرا که با مجازات‌های بسیار اندک یا گاه بدون مجازات با قاتلان زنان و دختران برخورد می‌کند. نظام و ساختار مردسالار زن‌ستیز است..... ادامه در صفحه 16

اصول دوم، بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کرامت مرد و زن، یکسان بودن حقوق انسانی هر دو و مصونیت هر یک از آنها از تعرض جانی، شغلی یا حیثیتی را تضمین کرده‌اند. زنان اما نه تنها در قوانین اداری، استخدامی، آموزشی به حاشیه رانده می‌شوند، بلکه در عرصه خانواده نیز که قانون اصلی آنها نامیده می‌شود هم تحت حمایت قانون نیستند.

در قانون مدنی ایران، زن حق ترک خانه مشترک را ندارد مگر خطر جانی یا شرافتی را با شاهد صالح در دادگاه ثابت کند.

ماده ۱۱۰۵ همین قانون، ریاست خانواده را از «خصایص انحصاری» مرد می‌داند.

ماده ۱۱۰۸ تأکید می‌کند که اگر زن از ادای وظایف در برابر شوهر خودداری کند، نفقه به او تعلق نمی‌گیرد. حق تمکین جنسی، در فقه اسلامی، حق مسلم شوهر بر زن است و زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند مانع نزدیکی شوهر شود.

آیه ۲۲۳ سوره بقره، زنان را کشتزار مردان می‌نامد.

ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌کند که زن باید در خانه‌ای ساکن شود که شوهر تعیین می‌کند مگر پیشاپیش حق انتخاب مسکن را

جوان سازی جمعیت، معامله با جسم زن
شراره رضایی



معضل سالمندی جامعه را حل کند. فشار و تعرض به حقوق انسانی، تعرض به معیشت و سرکوب و.... تنها زبانی است که جمهوری اسلامی با آن حکومت میکند.

این تلاش حکومت برای "نجات جامعه" و عبور از بحران سالمند شدن، با تصویب قوانین قرون وسطایی بر ویرانه های جامعه ی فقرزده پایه ریزی و بر روی خانواده های کارگری و طبقه ی پایین جامعه سرمایه گذاری شده است. در این قانون، تنها چیزی که اهمیتی ندارد "زن" است. خواست و اراده و آمادگی روانی و احساسی "زن" است که به هیچ انگاشته شده است.

با ممنوعیت امکانات و لوازم بهداشتی و پیشگیری، خطر ابتلا به انواع بیماری های مقاربتی و بارداری های ناخواسته و پر خطر جان زنان را تهدید می کند. جنای کردن و جرم انگاری سقط جنین و تصمیم مادر به پایان بارداری، خطرات سقط جنین های مخفیانه در محیط های ناامن و غیربهداشتی را از آنچه هست افزایش خواهد داد. به گفته ی محمدعلی محسنی عضو کمیسیون بهداشت و درمان در مجلس "در هرسال بالغ بر ۵۰۰ هزار جنین به صورت غیرقانونی سقط می شود... این طرح، در صورت اجرا، فقط و فقط تعداد نوزادان ناخواسته را زیاده تر کرده و بیش از پیش بازار خرید و فروش کودک و کاسبکاران و سودجویان را رونق می دهد و یا به دلیل عدم توانایی تامین مخارج و هزینه های کودک، به ناچار توسط والدین در میان سطل های زباله و جوی ها رها می شوند، را بالا میبرد. کودکانی که با آینده ای نامعلوم و محروم از آغوش مادر و پدر به بهزیستی سپرده می شوند.... ادامه در صفحه 17

می کنم. به منظور افزایش جمعیت و کاهش عوارض سالمندی، مشوق هایی برای ازدواج جوانان در نظر گرفته و قرار است به مدت هفت سال به صورتی آزمایشی جریان داشته باشد. تسهیلاتی چون واگذاری زمین به خانواده ها پس از به دنیا آمدن سومین فرزند، دادن خودرو به قیمت کارخانه به مادرانی که صاحب فرزند دوم می شوند یا تامین بیمه ۱۰۰ درصدی مادران غیرشاغل صاحب سه فرزند به بالا، از جمله این مشوق ها هستند. هم چنین قرار است حق عائله کارمندان دولت هفت برابر و نیم شود. اما هیچ مشخص نیست منابع مالی لازم برای این تسهیلات از کجا و چگونه تامین خواهند شد.

سازمان بهزیستی ایران که متولی حمایت از افراد دارای معلولیت است، نسبت به مواد ۵۳ و ۵۶ این قانون هشدار داده و نسبت به افزایش جامعه معلولان ابراز نگرانی کرده است. طبق ماده ۵۳، آزمایش غربالگری و تشخیص ناهنجاری جنین که تا کنون الزامی بود، تنها به درخواست یکی از والدین یا به تشخیص پزشک متخصص انجام خواهد گرفت. ماده ۵۶ نیز کلیه مراکز پزشکی قانونی در استان ها را مکلف کرده که درخواست های سقط جنین را به یک کمیسیون "سقط قانونی" ارجاع دهند؛ چیزی که به تاکید متخصصان، فرایندی طولانی خواهد بود و زمان لازم برای نجات مادر و "سقط درمانی" را به پروسه ای طولانی و دشوار و خطرآفرین تبدیل می کند.

جمهوری اسلامی به جای تضمین شرایط یک زندگی مرفه و انسانی برای نسل جوان و فرزندان آنان، امکاناتی مانند طب رایگان برای همه کودکان، بالاترین امکانات پزشکی برای زنان باردار، کمک هزینه ویژه کودک، حق مسکن مناسب با استاندارد بشری و متناسب با تعداد فرزندان، حمایت و پرداخت ماهانه ی هزینه ی کودکان تا 25 سالگی، الزامی بودن تحصیل رایگان برای تمام کودکان خارج از ملیت و هویت و... و تامین تمامی هزینه ها توسط دولت، با وعده های توخالی که الزاماً ربط مستقیمی به زندگی فرزندان و تامین و تضمین رفاه و سلامتی و شادی آنها ندارد و اساساً با تعرض به زندگی این نسل و خصوصاً زنان، تلاش میکند

مصوبه "جوانی جمعیت" مجلس به تایید شورای نگهبان رسید و قانوناً تصویب شد. هدف این قانون، افزایش و جوان سازی جمعیت ایران است. حکومت در این خصوص وعده ها و مشوق هایی هم به ازای هر زایمان داده تا "عطش" و اشتیاق خانواده های کارگری و سایر اقشار محروم را که در زیر خط فقر در حال غرق شدن هستند، بیشتر کند. که درپایین تر به تعدادی از آن اشاره خواهم کرد.

"پیری" جامعه یکی از معضلات بخش اعظم جوامع بشری است و "جوان سازی" جامعه و تولید نیروی کار جدید، تلاشی است که بخش اعظم دول جهان در اولویت خود قرار داده اند. دلیل "پیری" جوامع بشری و عدم تمایل نسل جوان به داشتن فرزند بحث امروز این مطلب نیست. قطعاً میتوان و باید به دلایل پایه ای و بنیادی این سیر، به بن بست ها و بی افقی هایی که نظام کاپیتالیستی در مقابل بشریت قرار داده و تأثیرات آن بر تمایل داشتن فرزند و یا تضمین یک آینده مرفه و انسانی برای نسل آتی، کره خاکی سالم و قابل زیست و... را موشکافانه بررسی کرد. سیاست ها و راههای که دول مختلف برای مقابله با پیری جامعه و یا تشویق نسل جوان به داشتن فرزند نیز مورد بحث این نوشته نیست. سیاست جمهوری اسلامی و فشار بر نسل جوان و بویژه بر زنان جوان و تلاش برای تحمیل قوانین قرون وسطایی به جامعه مورد بحث ما است.

بر طبق این قانون که به مواردی از آن اشاره

روز جهانی محو خشونت علیه زنان و صده روزه شدن حکومت طالبان در افغانستان تهیه و تنظیم: سحر صامت



است.

بهار سهیلی میگوید: پس از سقوط حکومت و از بین رفتن نهادهای دولتی، زندانیان توسط طالبان رها شدند، زندانیانی که در میان آنها خشونتگران و قاتلان زنان بود، افرادی که قوانین و گروه های مختلف سالها برای دستگیری و مجازاتشان تلاش کرده بودند.

اکثر این زندانیان سراغ زنانی رفته اند که باعث مجازات آنها شده بودند و آن زنان هیچ پوسته ی دفاعی در برابر این خشونتگران ندارند چند نفری مجبور به فرار شدند، بعضی ها به خشونت سر خم کردند و چند مورد دست به خودکشی زده اند.

بهار در ادامه ی سخنان خود به وضعیت اسفناک اقتصادی مردم پس از به قدرت رسیدن طالبان اشاره کرده و می گوید، آمار فقر و بیکاری بالا رفته آمار و گزارش ها نشان می دهد دختران ۷، ۸ و حتی ۲ ساله در برابر اندک پول و امتیازی به مردان خیلی پیر فروخته شده اند. در بسیاری از کلان شهرها دختران از حق تحصیل باز مانده اند و خانواده ها برای سبک تر شدن مصارف خانواده آنها را می فروشند. این در حالیست که سازمان اف ان از افزایش بیش از ۹۷ درصدی فقر میان مردم افغانستان تا آغاز سال ۲۰۲۲ میلادی هشدار داد.

بهار سهیلی در ادامه ی سخنان خود به مشکلات دریافت خدمات پزشکی و درمانی زنان پس از ورود طالبان اشاره می کند که زنان و مادران هیچ حمایت پزشکی در دوران حاملگی و پس از آن دریافت نمی کنند و در نتیجه ی فقر، کودکان ضعیفی به دنیا می آورند و بر اثر تغذیه ی نامناسب دچار بیماری های مختلفی می شوند.

زنان سرپرست از حق اشتغال باز مانده اند و همه در تلاش برای زنده ماندن تقلاً می کنند. سهیلی در ادامه می افزاید: متأسفانه عمق فاجعه در جامعه ی به شدت ضد زن، سنتی و زیر چتر طالبان به قدری عمیق است که گاهی از مواجهه با این همه تراژدی دچار افسردگی شدید می شوم.

دیدگاه بهار به برخورد جامعه جهانی نسبت

روز جهانی منع خشونت علیه زنان امسال مصادف است با ۱۰۰ روزه شدن تحمل حکومت دیکتاتوری طالبان از سوی مردم افغانستان.

تفاوت اعتراضات زنان در ۲۵ ام نوامبر امسال بسیار متفاوت تر از ۲۰ سال گذشته است. در طی ۲۰ سال اخیر تمرکز فعالین جامعه مدنی روی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که موجب آسیب پذیری زنان در محیط خانه و جامعه می شد، نقد قوانین اساسی که حقوق زنان اولیه زنان را به چالش می کشید و سعی برای ایجاد راهکارهای مناسب طبق اوضاع و احوالات جامعه بود. اکنون همان نیمه آزادی هایی که زنان در طول این سالها برایش جنگیده و بهای سنگینی نیز پرداخته بودند هم اکنون از بین رفته است و ستون های زیربنای آزادی بیان نیز از هم فرو پاشید.

امسال زنان در افغانستان زیر چتر حکومت طالبان همان جریان سیاسی که خود به شدت ناقض حقوق انسانی زن است نفس می کشند.

بهار سهیلی یکتن از فعالین حقوق زن ساکن سوئیدن می گوید: "تمرکز من روی زندگی زنان و دخترانی که در خانه های امن بسر می بردند است. آیا چه سرنوشتی منتظر این گروه از زنان پس از روی کار آمدن طالبان است؟"

نکته دیگری که بهار روی آن تمرکز دارد خروج زنان تحصیل کرده بی که حالا با روی کار آمدن حکومت طالبان به دسته ای از آسیب پذیرترین قشر جامعه مبدل شده اند،



بهار سهیلی

به حمایت از زنان آسیب پذیر افغانستانی اینگونه است: نهادهای بین المللی هم پس از خروج گروه کوچکی از افراد و

مخصوصاً زنان آسیب پذیر و پس از دریافت تبلیغات کافی رسانه ای حالا شانه خالی می کنند و زنان زیادی در پاکستان، ابوظبی و کشورهای دیگر بی سرنوشت و در معرض خشونت های جدی مانده اند. بهار یک قضیه را به عنوان مثال در این گفتمان مطرح می کند: یک دختر ۱۳ ساله در ابوظبی مورد خشونت جنسی. توسط پسر-کاکایش قرار گرفته که این موارد از لحاظ روانی تبعات بسیار سنگینی در دراز مدت خواهد داشت.

تماس های زیادی نشان می دهد زنان افغان حتا در کمپ های آمریکا مورد خشونت جنسی و جنسیتی مردان قرار گرفته اند. بهار سهیلی با تمرکز مجدد روی وضعیت زنان بی سرپناه می گوید: اکثر روسای خانه های امن پس از سقوط به بیرون کشور فرار کرده اند و بیشتر خشونت دیده ها را به خانواده های خشونت گرشان برگردانده اند. در مواردی افراد را از خانه های امن بیرون کردند و سرنوشتشان هنوز مشخص نیست. بهار می افزاید: متأسفانه در مصاحبه هایی که من با خشونت دیده ها و بعضی از کارمندان قبلی خانه های امن داشتم متوجه شدم روسای این نهاد ها حتی از پول روزانه ی اندک و ناچیز غذای خشونت دیده ها هم برای خودشان دزدیده اند. چند دهه ی گذشته با سر کار آمدن حکومت هایی دست نشانده، ضد مردم و به شدت فاسد باعث شد تا در حوزه ی زنان هم شاهد عدم آگاهی و صلاحیت فعالان حکومتی این حوزه و همچنان فساد گسترده و در نتیجه وخیم شدن وضعیت زنان در کشور باشیم.

رخشانه رضاییان یکتن اشتراک کنندگان در ادامه در صفحه 18

خشونت علیه زنان
فربیا رشیدی



خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که مانند جنایت برپایه بیزاری، برای توصیف کلی کارهای خشونت‌آمیز علیه زنان به کار می‌رود. این شکل از خشونت علیه گروه خاصی از مردم اعمال می‌شود و جنسیت قربانی، پایه اصلی خشونت است. سازمان‌ها و کشورهای جهان می‌کوشند با برنامه‌های گوناگون با خشونت علیه زنان مبارزه کنند. سازمان ملل متحد روز ۲۵ نوامبر (چهارم یا پنجم آذر) را روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرده‌است.

خشونت علیه زنان دارای انواع مختلفی است: خشونت فیزیکی (جسمی): که به هرگونه رفتار غیر اجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار دهد اطلاق می‌شود.

خشونت روانی (عاطفی): رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند.

خشونت اجتماعی: در این نوع خشونت زن تحت کنترل شدید مرد قرار دارد و در انزوای اجتماعی است.

خشونت جنسی: از لمس کردن بدن زن تا تجاوز را در بر می‌گیرد.

خشونت اقتصادی (مالی): یعنی نداشتن امنیت اقتصادی به نوعی که زن به دلیل در اختیار نداشتن پول و ثروت خانواده کاملاً وابسته به مرد خانواده باشد.

مساله خشونت علیه زنان و نحوه برخورد با آن تابع هنجارها و ارزش‌های اجتماعی فرهنگی هر جامعه است.

افغانستان از کشورهایی است که در سه دهه گذشته به دلیل جنگ‌های داخلی و عدم حاکمیت قانون، شاهد خشونت‌های بی شماری در برابر زنان بوده است. جهان در مقابل زنان و دختران افغانستان سکوت کرده، سازمان بین الملل در کر شده و نمی بیند که چه ظلمهایی و

جنایتهایی در حق زنان و دختران افغانستان میشود؟ ما از وضع اقتصادی حرف زدیم که مادران در افغانستان به خاطر فقر اقتصادی دختر بچه های خود را می فروشند، عدالت کجاست و حقوق بشر چه معنایی دارد؟ در ۲۵ نوامبر چه جویایی داریم برای زنان زجر دیده افغانستان.

چه بنویسیم که زخمی را تیمار کرده باشیم؟ برای دخترانی که قربانی قتل‌های ناموسی شدند. نمونه هایی مثل این عزیزان که باید دست مردانی را باید که مرتکب چنین جنایاتی میشوند.

● قتل زن جوان اهل سنندج به دست همسرش در همدان

● یک زن جوان اهل سنندج به دست همسرش بهرام بختیاری که اهل همدان است با ضربات چاقو به قتل رسید.

● شامگاه جمعه ۲۳ مهر ۱۴۰۰ (۱۵ اکتبر ۲۰۲۱)، یک زن جوان اهل سنندج با هویت لیلا شکبیا ۳۹ ساله به دست همسرش با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

● باز هم قتل یک دختر توسط پدر: پدری در رفسنجان دختر جوان خود را به دلیل ارتباط با یک پسر کشت

● پدری از اهالی روستای مهمانشهر رفسنجان دختر ۲۱ ساله خود را به دلیل ارتباطش با یک پسر به قتل رساند. یکی از اهالی روستا در این باره گفت: «دختر ۲۱ ساله این مرد مدتی قبل با یک پسر جوان ارتباط برقرار کرده و چند بار با همدیگر صحبت کرده بودند. پدر مقتول با این ارتباط مخالف بود و برای همین دختر خود را به قتل رساند و سپس جسد او را درون یک چاه عمیق در اطراف روستا انداخت. «ساکنان روستای مهمانشهر گفته‌اند پدر پس از انداختن جسد دختر خود به عمق چاه و رها کردن چند سنگ بزرگ بر روی آن، محل جسد را به همسرش گفته و سپس متواری شده است. مادر دختر به پلیس گفته است که بابت قتل دخترش، شکایتی از همسر خود ندارد. جمهوری اسلامی با قوانین مرد سالاری و زن ستیز مسبب تمامی جنایت علیه زنان و دختران است. قاتل، یعنی پدر یابردار قبل از ارتکاب قتل پرس وجو میکند و میدانن چون مسئله به اسم "ناموس" میباشد مجازات سنگینی ندارند.

متأسفانه جامعه برای زنان نا امن تر میشود. در جامعه ای که قانون اسلام سیاسی قدرت را در دست گرفته و قانون اساسی یک کشور اسلامی و ضد زن هست مردم آن جامعه باید هوشیار باشند و سطح آگاهی خود را بالا ببرن به جای قبول نکردن و مشروع ندادن بیشتر حامی این قانون اسلامی و ضد انسانی و ضد زن و مرد سالاری هستند.

پدری که کشتن دخترش برایش آسان هست و خوب میداند مجازات نمیشود و به کردار پلید و درندانه خود افتخار می کند. میدانند در قانون اساسی اولیاء دم مجازات نمیشود و این حق را دارد که تبرئه شود و شاکتی خصوصی ندارد. جامعه در چنین شرایطی برای زنان امن است و حتی خانه پدری!

چاقو، داس، تبر، بزین، گلوله برای کشتن انسانیت چون وجدانها خفته اند. این وجدانها را باید هوشیار و از دوران قرون وسطایی درآورد. جامعه از چند جهت به بیراهه و فساد کشیده میشود:

۱. قانون و سیستم که ضد دموکراسی هستند.

۲. افکار مردم در جامعه که قانون های اسلامی و ضد انسانی را قبول کرده اند و به آن مشروعیت داده اند.

۳. خانواده ها و عدم آگاهی آنها نسبت به تربیت فرزندان و تفرقه بین دختر و پسر. یعنی به پسر مشروعیت داده و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۴. مشکلات اقتصادی و فشار روحی روانی در داخل خانواده ها.

در چنین شرایطی است که این ناعادتی و تبعیض جنسیتی در داخل خانواده رواج پیدا کرده و به تدریج وارد جامعه و جامعه وقتی پذیرای این تفرقه و تبعیض باشد خود پیروی از قانونی است که زنان را نصف مرد شمرده و از حق انسانی خویش برخوردار نیستن همان قانونی که اسلام برای زنان پیاده کرده.

زمانی ما میتوانیم یک جامعه سالم و امنی داشته باشیم که زنان در آن جامعه در اولویت و اهمیت بیشتری قرار بگیرند. یعنی زنان آزاد جامعه بهتر. یا به اصطلاح دیگر "رهایی زن معیاررهایی جامعه" به معنای دیگر باید قوانین اسلامی و مرد سالاری را در جامعه از برد تا بتوانیم به دموکراسی راه پیدا کنیم جامعه برابر و بدون تبعیض جنسی یا آپارتاید.

فرهنگ غلط اسلامی سیاسی هستند. دخترانی و زنانی که به زور ربوده شده و اسیر شده اند. در این مقاله یاد میکنم از زنان و دختران افغانستان، دختران کوردستان، دختران ایران که قربانی همه گیره ی خشونت هستند و همچنین عزیزانی که قربانی قتل ناموسی شدند و جانشان را گرفتند. همه باهم صدای آنها باشیم و در مقابل هرگونه خشونت سکوت نکنیم. سکوت، قبول کردن بردگی است. /

فریاد عدالت‌خواهی زنان در برابر نظام ظالم عارفه فاطمی

بیست و چهارم (۲۴) اسد ۱۴۰۰ هـ برابر با ۱۵ آگست ۲۰۲۱ میلادی روز بسیار سیاه و وحشتناکی برای مردم افغانستان و به خصوص برای شهروندان کابل است. روزی که در یک چشم به هم زدن کابل به دست گروه طالبان سقوط کرد. آرزوها، امیدها، پیشرفت‌ها و دستاوردهای ۲۰ سال اخیر افغانستان یک‌باره دود شدند و به هوا پراکنده شدند.

در آن روز من در سرای شمالی بودم. حدود ۹ صبح بود که شایعه‌ی سقوط کابل مردم را در وحشت و سراسیمگی غیرقابل تصویری فرو برد. سکوت، دستپاچگی و اضطراب بر کابل مستولی شدند.

با شنیدن این شایعه با ترس و وحشت فوراً به سمت خانه و کوته سنگی حرکت کردم. در مسیر راه شاهد چنان وحشتی در شهر، چهره‌های مردم و سیمای کابل بودم که هیچ‌گاه تصورش را نمی‌کردم.

یک‌باره وحشت، ناامیدی، سراسیمگی، خشونت، تعقیب و فرار به جای آزادی و آبادی نشستند. در آن روز تاریک یاس، اضطراب و ترس در چهره‌ی تک تک شهروندان به وضوح دیده می‌شد. هیچ‌کسی آرامش نداشت و همه به سوی در حال فرار بودند. افراد سراسیمه و نگران به طور گسترده به سمت میدان هوایی در حرکت بودند تا شاید راهی برای خروج بیابند. شهر هم‌چون روزهای گذشته نفس نمی‌کشید. انگار نبض و قلبش از تپیدن ایستاده بود. از موسیقی، تپ‌وتلاش، شادی و تکاپو خبری نبود و هرکسی به سوی فرار می‌کردند. بسیاری با پژمردگی و نگرانی شدید از خانواده‌ها و عزیزان‌شان خبر می‌گرفتند.

وقتی در خانه رسیدم مادرم را چنان در ترس و وحشتی یافتم که با هیچ کلمه‌ی قابل بیان نیست. ترس و نگرانی از آینده و سرنوشت دختران و فرزندان‌ش. ترس از این که سرنوشت سه دختر جوانش در یک خانه‌ی بدون مرد چه خواهد شد. به خصوص این که شایعه‌ی آزار و اذیت زنان و دختران بدون سرپرست مرد و بدون محرم توسط طالبان در میان مردم وحشت بیشتری خلق کرده بود. نگران از این که به کجا پناه ببرند تا دخترانش از شر طالبان در امان باشند. اولین بار بود که مادرم

را این چنین شدید نگران و مضطرب می‌دیدم. نخستین بارم بود که خودم را در مقابل نگرانی‌های مادرم واقعا بیچاره و درمانده احساس می‌کردم. هیچ کاری از دستم ساخته نبود و هیچ حرفی برای آرامش و تسلی‌اش نداشتم. تلویزیون را روشن کردم تا بیشتر بدانم که بر سر کابل چه آمده است. وقتی تلویزیون روشن شد آقای بسم الله محمدی روی پرده‌ی تلویزیون ظاهر شد و برای مردم پیام داد که نگران نباشید کابل در امنیت است و ما از کابل دفاع می‌کنیم.

کمی بعد تر از سخنان بسم‌الله محمدی ویدیوهایی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شدند که نشان می‌دادند پرچم‌های طالبان جای برخی از پرچم‌های افغانستان در شهر را گرفته‌اند. لحظه‌ی بعد طالبان اعلامیه دادند که نیروهای ما در پشت دروازه‌های کابل‌اند و هنوز وارد شهر نشده‌اند. نزدیک شام همان روز خبر فرار اشرف غنی از کابل پخش شد و داکتر عبدالله عبدالله نیز آن را با انتشار اعلامیه‌ی ویدیویی تایید کرد. این گونه بود که اشرف‌غنی، مشاوران امنیتی‌اش و مقامات امنیتی و حکومتی به مردم خیانت کردند. مردم را تنها گذاشتند و با فرار خاینانه‌ی‌شان آزادی‌ها، امیدها و دستاوردهای بیست سال اخیر را نابود کردند. کابل و تمام افغانستان را بدون هیچ‌گونه مقاومتی به طالبان سپردند. چنین ناباورانه و غم‌انگیز دستاوردهای ۲۰ سال اخیر در ظرف ۲۴ ساعت از بین رفتند. عملاً تمام ارگان‌های دولتی، سکتورهای خصوصی، دانشگاه‌ها، مکاتب و تمام نهادهای آموزشی بسته شدند. تمام خدمات دولتی و خصوصی متوقف شدند و نظم و سیستم بیست ساله‌ی افغانستان کاملاً از هم پاشید و نظام بدوی امارت اسلامی طالبان برقرار گردید.

متأسفانه اولین و بزرگترین قربانی این نظام زنان‌اند. با شروع حاکمیت طالبان تمام زنان شاغل، محصلان دانشگاه‌ها و دختران متعلم خانه‌نشین شدند. با گذشت بیش از صد روز وضعیت نه تنها که بهتر نشده است بلکه به مراتب بدتر شده است. هنوز هم بسیاری از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی بسته و یا نیمه فعال‌اند. طالبان در اولین اقدامات‌شان "وزارت امور زنان" را به "وزارت امر به معروف و نهی از منکر" تغییر نام دادند و به

زنان کارمند اجازه‌ی حضور در وظایف‌شان را ندادند. در کابینه‌ی طالبان حتی یک زن حضور ندارد. با تسلط یافتن طالبان زنان از کار و حضور در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کاملاً حذف شدند. با وجود وضع این محدودیت‌ها و قوانین غیرانسانی و ضد زن، زنان فعال و فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر و حقوق زن در مقابل این بی‌عدالتی‌ها و ستم‌ها ساکت ننشستند و تسلیم نشده‌اند. آن‌ها اعتراض‌شان را با راه‌اندازی تظاهرات‌های مدنی از گوشه و کنار ولایات مختلف افغانستان برعلیه این اقدامات و قوانین عقب‌گرایانه و غیرانسانی طالبان بلند کردند و خواهان حفظ آزادی‌ها، حقوق و دستاوردهای بیست سال اخیرشان شدند. زنانی که با به خطر انداختن جان‌شان برای عدالت، آزادی، حقوق و دستاوردهای بیست سال اخیرشان شجاعانه مبارزه می‌کنند. ما اعتراضات‌مان را با شعار "طالبان! طالبان! ناقض حقوق زنان!!" در کابل از تاریخ ۱۳ سنبله ۱۴۰۰ هـ آغاز کردیم. مسیر تظاهرات ما از پیش وزارت دفاع شروع و به سمت ارگ ریاست جمهوری بود. نزدیک ارگ رسیده بودیم که طالبان محدودیت‌های‌شان را بر ما شدیدتر کردند و مانع از رفتن‌مان بسوی ارگ شدند. وقتی ما مقاومت کردیم طالبان برای پراکنده کردن ما از گاز اشک‌آور و اسپری مرچ استفاده کردند. با ما خشونت کردند و بسیار بی‌رحمانه با کندانای تفنگ‌های‌شان به پاهای خانم‌ها می‌زدند و سر یکی از همراهان‌مان را شکستند. ما را چنان پراکنده کردند که من فکر می‌کردم شاید تعدادی از ما گم شده‌اند.

در ۳۰ سپتامبر ما گروه خودجوش زنان مبارز افغانستان در اعتراض به ممنوعیت دختران و زنان از تحصیل جلوی مکتب رخشانه در کابل دست به اعتراض زدیم. با پیوستن و تجمع تعدادی از همراهان‌مان در محل مورد نظر، طالبان تمام راه‌های ورودی به آن ساحه را بستند و تعدادی از معترضان و فعالانی را که قصد پیوستن به ما داشتند اجازه‌ی محلق شدن ندادند و با ما خیلی با خشونت رفتار کردند. بر یکی از دختران که داشت ویدیو و فیلم می‌گرفت حمله کرد. با زور و کشمکش فیزیکی خواست موبایلش را از دستش بگیرد. با تهدید و خشونت تجمع ما

صدا گذاشته و درزیر لباس های مان جابجا کردیم. من درزیر چادر با وانمود کردن حالت گریه تلفنم را برداشتم و ویدیوی کوتاهی گرفتم و سپس آن را به خبرنگاری آماج نیوز فرستادم و آزانها درخواست کمک کردم.

طالبان حدود سه ساعت ما را در محاصره و بازداشت خود نگه داشتند. در این سه ساعت هر نوع فحش و دشنام به ما دادند و هر تحقیری که توانستند کردند. بسیاری از همکاران ما را لت و کوب و شکنجه کردند. به مردم گفته بودند که در این جا انتحاری و داعش آمده اند.

در واقع میخواستند ما را در پوشش حملهی داعش به قتل برسانند. با وجودی که هر لحظه احتمال کشته شدن مان وجود داشت و هر لحظه ممکن بود امر کشتن ما صادر شود ما در تلاش رهایی بودیم و با سر دادن شعار "خدا را می شناسیم از شما بهتر!" و همچنان با تلاوت آیات قرآن و کلمه‌ی طیبیه به چشمان همدیگر با قطع امید از زندگی آخرین نگاههای مان را کردیم. طوری که دیگر امیدی برای زنده ماندن مان نمی دیدیم و از همدیگر خدا حافظی کردیم.

نزدیک ساعت دوازدهی ظهر بود به آنها گفتیم که اجازه بدهید ما به خانه های مان برگردیم. در جواب مان می گفتند که شما بی حیایا باید با ما به ریاست استخبارات برده شوید تا بفهمیم رئیس ان شما کی هایند. بعد از صحبت ها و مخا بره های مکرر با مقامات شان یکی از مولوی های شان آمد و به ما گفت که امروز نجات پیدا کردید و می توانید بروید. ولی ما شما را فراموش نمی کنیم و تحت نظارت ما هستید. سپس بعد از هر چند دقیقه به طور یکی یکی و جداگانه یکی از همکارانم را از حلقه‌ی که محاصره شده بودیم آزاد می کردند تا به خانه برگردیم و دستور می دادند که تا فاصله های دور نباید حتی به پشت سرمان نگاه کنیم.

اعتراضات مدنی و عدالت خواهی های ما همواره با خشونت های فیزیکی، روانی تهدیدهای مرگ از سوی طالبان مواجه بوده اند و هستند. در جریان اعتراضات مان تعدادی از همکاران و همراهان مان و هم چنین برخی از خبرنگاران به خاطر پوشش خبری تظاهرات های مان به شدت لت و کوب شده و آسیب های جدی دیده اند. در تمامی این

ادامه در صفحه 19

خبری تظاهرات مان آمده بودند. و هر دو ساحه را از ترس طالبان ترک گفتن.

ما منتظر خانم هایی ماندیم که هنوز در مسیر راه بودند و میخواستند به جمع ما بپیوندند. تا آن لحظات نیز همچنان فضا عادی به نظر می رسید. تعدادی از نظامیان طالبان و موتوهای شان در فاصله‌ی دورتر از ما حضور داشتند و ما را تحت نظر داشتند. ما نیز منتظر رسیدن همراهان مان بودیم تا برنامه را آغاز کنیم. نظامیان طالبان بیشتر و بیشتری شدند. یکی از آنها نزد ما آمد و خودش را از بخش امنیت طالبان معرفی کرد و گفت که به شما کاری نداریم. لحظه‌ی نگذشته بود که حدود ۲۰ موتو و یا بیشتر از نیروهای طالبان از هر دو ما طرف آمدند. مردم عام و خبرنگاران را با زور در موتو ها سوار کردند و همچنان کسانی که در سرک و یا پیاده روها بودند را نیز دور کردند و سرک دارالامان را دوطرفه مسدود کردند. به جز از نظامیان طالبان و حدود ۱۳ نفر از ما خانم های معترض کسانی دیگری را در محل نگذاشتند و همه را راندند.

هر دو طرف سرک نظامی های طالبان مستقر بودند و قطعه‌ی خاص شان (قطعه‌ی بدری) که حدود ۲۰۰ نفر بودند آمدند به ما نزدیک شدند و ما را با خشونت زیادی به عقب تیله کردند. طوری که ما به روی هم می افتادیم و با لت و کوب و زدن با کندانق تفنگ های شان ما را از سرک دور و به طرف دیوار بردند. ما را به دیوار چسپاندند و بر ما چیغ می زدند که شما بی حیاء، کافر و جاسوس امریکا هستید. طوری ما را به دیوار چسپاندند و پیش روی ما را گرفتند که ما حتی نمی توانستیم سرک را ببینیم. فرمانده شان به سربازانش دستور دادند که اگر هر کدام اینها تلفن شان را بیرون کردند و یا خواستند عکس و فیلم بگیرند بر آن شلیک کنید. ما احساس کردیم که طالبان قصد کشتن ما را دارند. برای این که دیگران در صورت کشته شدن مان از سرنوشت، هویت و دلایل اعتراض مان مطلع شوند من با پذیرش خطر کشته شدن توسط طالبان خطر کردم و تلفنم را در آستینم حجابم انداختم تا از این صحنه فیلم بگیرم. طالبان در حالی که ما را در حلقه‌ی بسیار کوچک و تنگ محاصره کرده بودند من و خانم ریشمین همکارم خطر کردیم و تلفن های مان را روی ضبط

را برهم زدند و مانع از راهپیمایی و بلند کردن صدای مان برای دفاع از حق آموزش و تحصیل دختران شدند. علی رغم این خشونت ها و برخوردهای خشن حرکت خودجوش زنان مبارز و سایر گروه های فعال زنان در کابل و بعضی ولایات دیگر افغانستان به اعتراضات شان ادامه داده و خواهند داد.

در این جا می خواهیم از سرگذشت و خاطره‌ی بسیار بد و همچنان خشونتی که در اعتراض ۳۰ اکتبر در جاده‌ی دارالامان بر ما رفته اند یاد آور شوم. خشونت و خاطره‌ی که مثل یک کابوس ترسناک همیشه در ذهنم خواهند ماند. قرار بود در ۳۰ اکتبر تظاهرات و اعتراضی در برابر نادیده گرفتن حقوق زنان از سوی طالبان در جاده‌ی دارالامان برگزار کنیم. یک شب قبل از تظاهرات در گروپها و فضای مجازی اطلاعیه پخش کردیم و خواهان حمایت، همراهی، مشارکت زنان و شهروندان و همچنان پوشش خبری از اعتراضات مان شدیم. بعد از پخش اطلاعیه در فضای مجازی و گروپها ما از طرف بخش امنیت طالبان تهدید دریافت کردیم و به ما هشدار داده شد که نباید اعتراض کنیم.

بعد از دریافت تهدید من و خانم ریشمین (فعال حقوق بشر) برای جلوگیری از ممانعت طالبان و به منظور انحراف تهدید طالبان در فضای مجازی و گروپها اطلاعیه نشر کردیم که تا اطلاع ثانوی تظاهرات فردا لغو شده است. در حالی که تظاهرات را واقعا لغو نکرده بودیم و با پذیرش خطرات و تهدیدهای طالبان ما همچنان مصمم به برگزاری آن فردای آن شب (۳۰ اکتبر) بودیم. محل اعتراض ما جاده‌ی دارالامان پیش شفاخانه‌ی کیور در ساعت ده قبل از ظهر بود. من صبح آن روز زودتر از دیگر روزها از خواب برخاستم. نمازم را خواندم و کم کم آماده‌ی رفتن به تظاهرات شدم. بسیار بی قرار بودم که چگونه خودم را به محل تجمع برسانم. وقتی از خانه حرکت کردم نتوانستم به مادرم بگویم که ما به تظاهرات می رویم. چرا که می دانستم مادرم مانع رفتنم می شود. ساعت نه و چهل و پنج دقیقه‌ی صبح بود که محل تظاهرات رسیدیم. قبل از من همکارم خانم ریشمین و چند تن از خانم های دیگر نیز به محل رسیده بودند. هنگامی که من به آنجا رسیدم فضا عادی به نظر می رسید. دو خبرنگار یکی داخلی و دیگری خارجی نیز برای پوشش

بیانیه 27 تشکل مستقل زنان ایرانی به مناسبت 25 نوامبر 2021

هر روز ساعت ۲۱:۳۰ به وقت ایران - ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی و ۱۰ به وقت کالیفرنیا

۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

Nov 25th to Dec 10th, 2021

۴ آذر تا ۱۹ آذر ۱۴۰۰

در تداوم مبارزه سربسختانه با خشونت علیه زنان

خشونت خانگی - قتل های ناموسی - خشونت اقتصادی - منله سازی جنسی - خشونت کلامی - خشونت جسمی - خشونت جنسی - آزار و اذیت جنسی - قاچاق انسان - کودک همسری - خشونت های فضای مجازی - ناقص سازی اندام زنان - پیامک جنسی بدون رضایت - تجاوز جنسی - حجاب اجباری

سال ۱۴۰۰، سال مقابله با زن کشی مبارزه ما تا توقف کامل خشونت علیه زنان همچنان ادامه خواهد داشت

اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان Iranian Women Org

اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان Iranian Women Org

۱۶DAY 16#16# روز #شانزده روز #DAYS 16# روز #شانزده روز #DAYS 16# روز #شانزده روز #DAYS 16# روز #شانزده روز

اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان ایرانی

Collective Action of Independent Iranian Women Organizations



25 نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان بارزترین مصداق نقض حقوق انسانی زنان می باشد. در سال 1991 کمپین جهانی 16 روز فعالیت برای پایان دادن به خشونت علیه زنان توسط " نهاد مدنی سازمان رهبری جهانی زنان" کلید خورد. در حمایت از این ابتکار موفق جامعه مدنی، در سال 2008 سازمان ملل، کمپین اتحاد (UNITE) را برای تلاشی هدفمند در پیشگیری و رفع خشونت علیه زنان بر پا نمود. در طی سی سال گذشته، کمپین جهانی 16 روز فعالیت برای پایان دادن به خشونت علیه زنان، توانسته متجاوز از 6000 نهاد غیر دولتی، سازمانهای زنان، فمینیستها و نهادهای حقوق بشر را در 187 کشور در این مبارزه، درگیر نماید. عده ای از زنان ایرانی نیز بطور پراکنده طی سی سال گذشته در این کمپین حضور داشته اند.

ما، با قلبی سرشار از امید، در حمایت از این ابتکار موفق جهانی، با همیاری و همگامی در تداوم کار مشترک یکسال گذشته در کنار یکدیگر در این کمپین جهانی از روز ۲۵ نوامبر تا 10 دسامبر شرکت می کنیم تا مبارزه و مقاومت پویا و خستگی ناپذیر زنان را برای رفع خشونت در حوزه عمومی و خصوصی، در خشونت هفتگی در تبعیضات ساختاری، در کوچه و خیابان، در خانه و محیط کار، در فضای مجازی و کف خیابان ارج بگذاریم.

اگر ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان با قتل خواهران میرابل در مبارزه سیاسی آنان بر علیه دیکتاتوری دومینیکن رقم خورده، میرابل های ایرانی، امروزه با شجاعتی تحسین آمیز در زندان و بیرون از زندان در اعتراضات و خیزش های اجتماعی خواهان پایان

فضای عمومی و خشونت های خانگی، اذیت و آزارهای فیزیکی، روحی، جنسی، اقتصادی و کلامی در فضای خصوصی و آسیب های گران آن، دادخواهی نمی شود، جرم انگاری نشده و آسیب دیدگان از حمایت های اجتماعی، اقتصادی و خانه های امن بی بهره می باشند. جمهوری اسلامی و صاحبان قدرت در ایران در خلال متجاوز از چهار دهه نشان داده اند که خواست سیاسی برای پایان دادن به اشکال گوناگون خشونت های جنسی جنسی تی در فضای عمومی و خصوصی را نداشته، بلکه خود یکی از عاملین خشونت علیه زنان بوده و اشاعه فرهنگ خشونت بار علیه زنان و نقض حقوق انسانی را با تبعیضات ساختاری مهندسی جنسیتی و عدم پاسخگویی هموار ساخته اند. ما تشکلهای مستقل زنان در همبستگی و همگامی از کلیه افراد و نهادهایی که به رفع خشونت علیه زنان، زدودن کلیه اشکال تبعیضات جنسیتی و جنسیتی و احترام به حقوق انسانی، باورمند هستیم دعوت می کنیم تا در خلال ۱۶ روز جهانی برای مقابله با خشونت علیه زنان با ما همراه شده و اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان را مورد حمایت قرار دهند.

دادن به هرگونه خشونت جنسی- جنسیتی و رفع تبعیضات ساختاری در حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میباشند. ما تشکلهای مستقل زنان بر این باوریم که مبارزه و تحقق برابری جنسیتی و رفع خشونت علیه زنان مبارزه ای دو سویه است. از یک طرف زدودن فرهنگ دیرپای مردسالاری و مناسبات قدرت نابرابر و از سوی دیگر تلاش برای تغییر قوانین خشونت آمیز علیه زنان است. مبارزه برای برابری جنسیتی، مبارزه ای اجتماعی و سیاسی می باشد و تعهد و قبول مسئولیت برای تحقق آن به تشکلهای زنان محدود نگردیده، بلکه مشارکت، حضور و پشتیبانی نهادهای جامعه مدنی و نیروهای پیشرو و آینده نگر که برای جامعه های آزاد و پویانده و برخوردار از عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گام بر میدارند را می طلبد. در طول دهه ها، مبارزه خستگی ناپذیر زنان برای رفع اشکال عدیده خشونت، برای آزادی اندیشه و بیان، برای حضور در فضای عمومی و طرح مطالبات به حق خود با سرکوب و دستگیری اذیت و آزار و زندان پاسخ داده شده است. از آسیب های روحی و روانی ناشی از ازدواج اجباری، حجاب اجباری، اسید پاشی، ساجمه هایی که بدن زنان را نشانه می گیرند تا نقض حق حیات و زن کشی و قتل های ناموسی، تعرضات جنسی و اذیت و آزار در محیط کار و خیابان در

<https://www.facebook.com/eghdam.mosharak>

دنیا را نارنجی کن



بیانیه کمپین توقف قتل های ناموسی

به مناسبت روز جهانی 25 نوامبر 2021

بیانیه کمپین توقف قتل های ناموسی به مناسبت 25 نوامبر "دنیا را نارنجی کن"

در روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۶۰ خواهران میرابل، توسط سازمان امنیت ارتش این کشور به قتل رسیدند. «جرم» آنها شرکت در فعالیت‌های سیاسی علیه حکومت دیکتاتوری دومینیک بود. سال ۱۹۹۹ سازمان ملل ۲۵ نوامبر را به پاس تلاش و شهامت این خواهران و جلب افکار عمومی به موضوع خشونت علیه زنان به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان به رسمیت شناخت.

شورای امنیت سازمان ملل سال ۲۰۰۰ قطع‌نامه ۱۳۲۵ را با عنوان «زنان، صلح و امنیت» به تصویب رساند. در این قطع‌نامه برتأمين مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی و نیز جلوگیری از اعمال هرگونه خشونت علیه آنها تاکید شده است. این قطع‌نامه مبنایی است برای آن که خشونت‌های گوناگون علیه زنان بدون مجازات نمانند و عاملان آنها محاکمه شوند.

در سال ۲۰۰۸ کمپین اتحاد برای پایان دادن به خشونت علیه زنان با شعار "دنیا را نارنجی کن" به ابتکار سازمان ملل تشکیل شده و هر سال بر یکی از جنبه‌های خشونت علیه زنان تمرکز دارد.

جنبش "دنیا را نارنجی کن" از (۲۵ نوامبر/ ۴ آذر) به مدت ۱۶ روز برای آگاهی‌رسانی درباره خشونت علیه زنان و نمایش تلاش و عزم جدی در رفع آن است. تمرکز این کمپین امسال بر موضوع پیشگیری از خشونت علیه زنان و توقف قتل های ناموسی است.

هر عملی که منجر به آسیب جسمی، جنسی و روانی به زنان شود، خشونت علیه زنان است. زنان در ایران روزانه با انواع خشونت‌ها مواجه هستند و اشکال گوناگون خشونت‌های جنسی جنسیتی در فضای عمومی و خصوصی را تجربه می‌کنند. با آنکه خشونت‌های فیزیکی (جسمی و جنسی) بارزترین نوع خشونت هستند شدیدترین آنها مانند قتل‌های ناموسی و اسیدپاشی تاکنون منجر به مرگ هزاران زن شده است. با این حال انواع دیگر خشونت‌ها نیز نسبت به زنان اعمال می‌شود که آثار سوء روحی و روانی بسیاری دارند مانند تحقیر زنان و تحمیل حجاب خشونت‌هایی هستند که هر روز زنان با آن مواجه‌اند.

فعالان حقوق زنان در ایران سال‌هاست که از یک طرف برای رفع انواع خشونت علیه زنان پیگیرانه برای بالا بردن آگاهی نسبت به حقوق زنان و نیز تغییر قوانین تبعیض‌آمیز تلاش می‌کنند، و از طرف دیگر هرگونه فعالیت مدنی آنها سرکوب شده و متحمل حبس طولانی مدت و محرومیت‌های اجتماعی می‌شوند، که از مصادیق بارز خشونت‌های دولتی است. همچنین، آموزش‌های لازم نه تنها برای کاهش خشونت علیه زنان وجود ندارد، بلکه سیستم آموزشی بر مبنای تبعیض‌های جنسی - جنسیتی است و قوانین موجود علاوه بر اینکه برای حمایت از زنان ناکارآمد است، بلکه در مواردی خود منشا خشونت علیه زنان است.

جمهوری اسلامی ایران جزو 4 کشوری است که تاکنون به کنوانسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان نه پیوسته است. همچنین، سند 2030 که مبتنی بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح و نیز بر مسئولیت مشترک و پاسخگویی استوار است نیز نپذیرفته است. در سال‌های اخیر خشونت علیه زنان بطور چشم‌گیری افزایش یافته، بویژه در دوران پاندمی کرونا زنان با خشونت خانگی بیشتری مواجه شده‌اند. آنها مجبورند ساعت‌های طولانی در کنار آزار دهنده خود باشند و تحمل کنند. قتل‌های ناموسی شدت گرفته و کمتر روزی است که خبری از قتل‌های ناموسی در رسانه‌ها منتشر نشود. با توجه به این نکته که در مواردی قتل زنان به صورت خودکشی نشان داده می‌شود و یا حتی آنها را وادار به خودکشی می‌کنند.

در سراسر ایران تنها 22 خانه امن وجود دارد که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز جامعه نیست. نیروهای انتظامی به جای اینکه حافظ جان افراد در خطر باشند، در کنار مردان خشونت‌گر خانواده قرار می‌گیرند و زنانی را که برای رهایی از خشونت فرار می‌کنند به مردان خانواده تحویل می‌دهند که اغلب آنها به دست همان مردان خانه کشته می‌شوند.

ضروری است که با اراده جمعی زنان و مردان مبارزه علیه قتل زنان با انگیزه ناموسی و هرگونه خشونت بر زنان را به یک گفتمان اجتماعی و خواست همگانی تبدیل کرده و با آن مقابله کنیم.

کمپین توقف قتل‌های ناموسی همه وجدان‌های بیدار و نهاد‌های دموکراتیک را فرا می‌خواند تا ضمن همراهی با حرکت 16 روز فعالیت برای برای پایان دادن به خشونت علیه زنان، با حمایت خود از کمپین توقف قتل‌های ناموسی در پیشگیری از کشتن زنان به نام حفظ "ناموس" با ما همگام شوند.

کمپین توقف قتل های ناموسی

10 نوامبر 2021 برابر با 19 آبان 1400

منبع: سایت کمپین توقف قتل های ناموسی

<https://stophonorkillings.org/fa/?p=1642>

توقف فوری قتل‌های ناموسی را در ایران و عراق و افغانستان در دستور بگذاریم!

تهیه کننده و اجرا: مینو همتی

میهمانان برنامه: فریبا رشیدی؛ مریم مرادی؛ نظیره معماری

حدود ۳۷۵ تا ۴۵۰ زن به بهانه حفظ آبروی خانواده زیر نام ناموس از طرف پدر، شوهر، برادر، عمو یا دایی کشته میشوند یعنی در ۱۰۰ درصد ۵۰ درصد زنان و دختران زیر سن هستند که قربانی میشوند. متأسفانه این بار که فائزه ملکی به طرز وحشیانه ای قربانی و کشته شده است اعتراضات وسیعی صورت نگرفته و مردان حضور نداشتند و تنها تجمع کمی جلوی دادگستری شهر سمنان توسط زنان صورت گرفت و این جای تأسف و نگرانی هست که حضور مردان کم‌رنگ بوده است. در قتل‌های ناموسی که رخ داد در مریوان و کانی دینار و قتل رومینا اشرفی اعتراضات پررنگی صورت گرفت و مردان بیشتر از زنان معترض بودند ولی متأسفانه چون جامعه مرد سالار است خیلی راحت این قضیه به فراموشی سپرده شد و پرونده را بستند. چند نمونه دیگر از قتل‌های ناموسی که در دسترس دارم قتل دختر ۱۳ ساله به نام سمیرا سعیدی به دلیل ممانعت پدر ایشان از تحصیل در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱ اقدام به خودکشی میکند. متأسفانه در اینجا دختر جوان به زندگی خودش پایان میدهد و دوباره پدر باعث مرگ شده. متأسفانه جامعه مرد سالار و سیستم حاکم در جامعه باعث میشود که چنین پدیده‌هایی به فرهنگ تبدیل شود و قانون اساسی و رژیم، حامی و پشتیبان اصلی این فجایع در جامعه است.



هست در یک سال اخیر لطفاً برای ما و بینندگان عزیز توضیح دهید؟

برنامه در بخش نخست با مقدمه ای از مینو همتی آغاز میگردد:

میاژ موری که دانه کش است، که جان دارد و جان شیرین خوش است.

هرچند این بیت نزدیک هشتصد سال عمر دارد، لیکن حدیث و آیات هزار و چهارصد سال پیش، از آن سبقت گرفته و در یک نظام حکومتی چهل و اندی ساله به جامعه تزریق شد که نه تنها جان شیرین خوش نیست بلکه به هر بهانه شرعی و خرافی میشود جان یک انسان را گرفت و خدا و پیغمبر و ملائکه آسمان هم برایش هورا میکشند.

در زیر سایه سنگین حکومتی که با تمام قوا در کتب درسی، رادیو و تلویزیون و بلندگوهای مساجد، خشونت و گرفتن جان انسانها را عادی سازی کرده است. آتش زدن فائزه ملکی بدست پدرش و قتل وی به بهانه آبروی ناموسی با اعتراض معدودی از شهروندان و با بی عملی اکثریت خاموش مواجه شده و به زمره آمار بیشمار قتل‌های ناموسی میپیوندد.

در برنامه امشب با میهمانان عزیز برنامه، به بررسی علل این پدیده شنیع و جانگداز و راهکارهای مبارزه برای ریشه کن کردن آن میپردازیم.

گفتگو با فریبا رشیدی؛ فعال زنان و قتل‌های ناموسی

سوال: شما در مورد فائزه ملکی اهل سمنان که توسط پدرش سوزانده شد و همچنین آمار قتل‌های ناموسی در ایران اگر در دسترس

پاسخ: من هم سلام دارم خدمت شما و بینندگان عزیز تلویزیون رهایی زن و خوشحالم دوباره در اینجا هستم و همچنین میهمانان عزیز این برنامه خانم مریم مرادی از مالزی و نظیره معماری از لندن.

جای نگرانی است که بگویم بار دیگر در اینجا هستیم تا از قتل ناموسی حرف بزنیم. ولی ما همچنان صدای زنان خفته هستیم و صدای زنانی که روزانه قربانی خشونت و قتل های ناموسی میشوند. همانطور که آگاه هستید و در برنامه اشاره کردید این بار قتل ناموسی در سمنان رخ داده و پدری دختر خودش را سوزانده است. فائزه ملکی ۲۲ ساله در سمنان که پدرش با بزین او را آتش زده است. وقتی او را به بیمارستان منتقل میکنند پزشک معالج متوجه قضیه میشود و میخواهد افشاگری کند اما پزشک از طرف دادستان سمنان مورد تعقیب و برخورد قانونی قرار میگیرد. در جامعه مرد سالار و حکومت اسلامی سیاسی که ضد زن است متأسفانه اگر پدر یا جد پدری مرتکب قتل فرزند خود شود تبرئه میشود و طبق قانون مجازات اسلامی برای چنین قتل‌هایی مجازاتی در نظر گرفته نشده است. طبق آمار سازمان حقوق بشری در جهان حدود ۵ هزار زن به بهانه حفظ آبرو، شرف و ناموس خانواده به قتل میرسند. در ایران سالانه

گفتگو با مریم مرادی؛ فعال حقوق زنان

سوال: با توجه به اینکه قتل‌های ناموسی وجدانهای آگاه را به میدان مبارزه با این پدیده کشیده است، شما در کمپین توقف قتل ناموسی فعال هستید، لطف کنید برای بینندگان ما از ضرورت و نحوه فعالیت و اهداف کمپین توضیح دهید.

پاسخ: از اینکه این فرصت را به ما دادید تا درباره کمپین قتل‌های ناموسی صحبت کنیم بسیار ممنونم. من درود میفرستم به بینندگان و شنوندگان برنامه رهایی زن و همچنین میهمانان عزیز این برنامه. در حقیقت اندیشه تشکیل کمپین از تاریخ 21 می 2021 آغاز شد یعنی روز به قتل رسیدن رومینا اشرفی به دست پدرش و این خبر دهشتناک در شبکه‌های اجتماعی بازتاب وسیعی داشت و در همان زمان وجدانهای

بیدار جامعه با هم جمع شدند تا حرکتی را بصورت هدفمند آغاز کنند. این حرکت موجب راه اندازی " کمپین توقف قتل های ناموسی" شد و ما گروهی از کنشگران حقوق زنان و برابری جنسیتی داخل و خارج از کشور به حق خواهی صدای های خاموشی برخاسته ایم که در گوشه خانه ها، در کنج قبرستان ها، با تبر، داس، چاقو، سم و... کشته می شوند. این جنایت ها، اغلب توسط مردان خانواده بنام "حفظ ناموس" خود، فامیل و گاه قبیله انجام می شود. این کمپین وجدان های بیدار را به یاری می طلبد تا برای پایان دادن به قتل های "ناموسی" هم صدا شوند. هدف اصلی این کمپین "توقف قتل های ناموسی" است. اما کمپین اهداف دیگری را نیز دنبال می کند زیرا به باور ما "قتل های ناموسی" مشکلی چند بعدی است. برای ریشه کن کردن "قتل های ناموسی" باید به ابعاد مختلف آن توجه کرد. با این حال تمرکز اولیه این کمپین بر دو بعد تغییر فرهنگ و تغییر در قوانین بنا شده است، که به کشتن زنان توسط مردان به نام دفاع از "ناموس" دامن می زند. قوانین؛ فرهنگ و ساختارهای زن ستیزانه که بطور مستقیم و غیرمستقیم از آموزش های ابتدایی تا آموزش عالی و به وسیله رسانه های دولتی در جامعه ترویج می شود، سبب نهادینه شدن مردسالاری در جامعه شده و بستر "قتل های ناموسی" را فراهم می کند. بنابراین، کمپین همزمان بر تغییر قوانینی که آشکارا و یا پنهان از عدم برابری جنسیتی و قتل های ناموسی حمایت می کنند بر تغییر فرهنگ زن ستیز در ایران نیز تمرکز می کند.

کمپین برای رسیدن به این هدف ها شیوه های را بکار خواهد برد از جمله:

-توانمندسازی سازی زنان به منظور آگاهی به حقوق و جایگاه خود برای زندگی در دنیای امروز که انسان محور است.

-جذب و دعوت مردان به منظور حمایت از کمپین که اساس آن بر پایه برابری انسان هاست.

-آگاهی رسانی و فرهنگ سازی در سطح وسیع از طریق برگزاری سمینار، کارگاههای آموزشی و انتشار مطالب آموزشی، جلسات بحث و گفتگو و استفاده بهینه از رسانه ها و شبکه های اجتماعی به منظور انتقال پیام کمپین به شهرها و روستاها برای مردم بومی توسط

آموزشگران با تجربه.

-انتشار بیانیه و جمع آوری امضا

-جلب سازمانهای حقوق بشری بین المللی به منظور حمایت از کمپین

-ارتباط با جنبش های زنان در منطقه از جمله ترکیه، افغانستان و کردستان عراق به منظور همکاری برای از میان بردن قتل های ناموسی که در این کشورها به اشکال گوناگون وجود دارد.

ما امیدواریم و بر این باوریم که این جنایت غیر انسانی ریشه کن خواهد شد و همه همت و تلاش خود را در این راه بکار میبندیم و با هم یکصدا میشویم تا این شعار را عملی کنیم اینکه: "زن ناموس هیچکس نیست، هیچکس ناموس هیچکس نیست."

گفتگو با نظیره معماری؛ از سازمان مدافع حقوق زنان در انگلستان

سوال: شما و سازمان حقوق زنان ایرانی و کرد در لندن با انگیزه مبارزه علیه قتل ناموسی شکل گرفت، از تجربه بیست ساله فعالیت سازمان شما و تاثیرات آن در جامعه انگلستان برای بینندگان توضیح دهید.

پاسخ: با سلام خدمت شما و بینندگان و مهمانان عزیز برنامه و با تشکر که مرا به این برنامه دعوت کردید.

سازمان ای کرو (IKWRO) حدود ۲۰ سال پیش تشکیل شده و این سازمان علیه قتلهای ناموسی تاسیس و شروع به کار کرد و برای دفاع از حقوق زنان و دخترانی که در انگلستان زندگی میکنند و از کشورهای دیگر به این کشور آمده اند از خاورمیانه، افغانستان، ترکیه، عراق و کشورهای دیگر که مسئله قتلهای ناموسی در آنجا زیاد است. وقتی این سازمان راه اندازی شد قتل ناموسی برای مردم و جامعه انگلستان چیز خیلی عجیبی بود و ادارات و مردم به این باور بودند و میگفتند: "که این فرهنگ شماست و متأسفانه ما نمیتوانیم کاری انجام دهیم و اگر ما دخالت کنیم خود شما فکر میکنید ما انسانهای راسیسیست و ضد خارجی هستیم."

این مسئله باعث شد ما سازمان را خیلی سریع و با آگاهی بیشتر در جامعه پیش ببریم و ثابت کنیم که این فرهنگ جامعه نیست و این فرهنگ انسانهای عقب افتاده ای است که از نظر ما هم یک جنایت است. کسی که مرتکب قتل ناموسی میشود و یک زن را به قتل میرساند باید مجازات و محاکمه

شود. یادمان هست اولین قتل مبروط به دختری ۲۶ ساله ای بود که توسط پدرش کشته شد و متأسفانه قاضی پرونده گفت: که این مسئله و فرهنگ شما را باید در نظر بگیریم که این اتفاق افتاده است. ولی بعد از آن سازمان ای کرو (IKWRO) که "دیانا نامی" موسس سازمان بوده و کمپین های بزرگی را راه انداخته بود ما نشان دادیم که این مسئله جنایت هست و فرهنگ نیست، چه در یک جامعه کوچک و چه در اروپا. قتل ناموسی متأسفانه اتفاق میافتد به دلیل فرهنگ مرد سالاری و فرهنگ عقب افتاده و مذهب و قانونهای اسلامی حاکم در جامعه است و به طور کلی قتل ناموسی برای حفظ شرف و ناموس اتفاق میافتد. ما میدانیم قتل ناموسی ۹۰ درصد برای زنان و دختران جوان اتفاق میافتد. و مسئله دیگر این است که بعضا پسرهای همجنس گرا هم قربانی این سیستم میشوند و کشته میشوند.

در فاصله این ۲۰ سال که این سازمان را تاسیس شده است، اگر به درستی نگاه کنیم قانون و وضعیتی که در کشورهای اروپایی هست خیلی آزادانه تر و بهتر استقبال میشود و میتوان به هر سازمان حقوق بشری یا سازمان خیریه و هر سازمان دیگری به راحتی دست یافت ولی در مملکتهای اسلامی خیلی سخت است و این امکان پذیر نیست و مدیریت آن و فعالین زنان اگر بخواهند چنین سازمانی را راه اندازی کنند خیلی سخت هست و یا اصلا امکان پذیر نیست. مثلاً ما در انگلستان ازدواج اجباری را با کمک سازمانهای دیگر ممنوع کردیم و در قانون اساسی کشور به ثبت رساندیم که خانواده ای که دختر خود را به زور شوهر بدهند و ازدواج اجباری صورت بگیرد مجازات میشوند.

در ادامه برنامه یک سوال مشترک از هر سه میهمان پرسیده میشود:

با توجه به تجربیات و بررسی های شما، چه راهکارهایی را ارائه میدهید؟ بطور مثال در شهر میوان فعالین مدنی اقدام به دایر کردن کمیته محلات برای پاسخگوئی به این معضل نموده اند، آیا تعمیم این نوع فعالیت میتواند در شهرها و روستاهای دیگر کارساز باشد؟ چه میشود کرد تا اکثریت خاموش را به صدا ...**ادامه در صفحه 19**

گزارشی از انجمن زنان ایرانی دالاس
گزارش از: پروانه عظیمی



دکتر نورایمان قهاری

می شود باید به این بیعدالتی ها برخورد کنیم. اهمیت پرداختن به این موضوع به این دلیل است که ما شاهد انواع ستم بر زنان هستیم
شاهد انواع سوء استفاده از بیماری به عنوان نقطه ضعف در زنان
، شاهد بهره برداری و سوء استفاده از تخصص در امور بهداشتی و درمانی مربوط به زنان -
ایشان در ادامه در مورد جنسیت و تقاطع هویت ها صحبت کردند، از جمله تقاطع جنسیت با نژاد و قومیت -
گرایش جنسی -
توانایی جسمی - روانی -
سن -
و جایگاه طبقاتی -

امسال برنامه DIWA انجمن زنان ایرانی دالاس
"به مناسبت "روز جهانی منع خشونت علیه زنان
از طریق زوم در تاریخ ۱۴ نوامبر امسال برگزار کرد

سخنران این برنامه خانم دکتر نور ایمان قهاری روانشناس سخنران برنامه ما بودند
عنوان سخنرانی خانم دکتر قهاری
"از سرکوب عربیان تا خشونت پنهان و جایگاه نا پیدای متخصصین در اعمال خشونت علیه زنان "

توجه شما را به خالصه ای از سخنرانی ایشان جلب میکنیم

این سخنرانی شامل دو بخش بود

بخش اول

تعریف خشونت

خشونت پنهان یا خرد

خشونت علیه زنان

خشونت ساختاری و نقش آن در تعمیم

بخش دوم

متخصصین تن و روان

نقش قدرت و خشونت پنهان در روابط درمانی

اخلاقیات مربوط به درمان تن و روان

اهمیت نقش آگاهی و حفاظت از حقوق خود

در همین رابطه خانم دکتر قهاری در مورد همه موارد ذکر شده توضیحات مفصلي ارائه دادند

خلاصه ای از آن را در اینجا می خوانید

ما به عنوان متخصصین وقتی میبینیم در حق مریض بی عدالتی یا کارهای غیراخلاقی انجام

و بی اعتبار کردن و نادیده گرفتن خرد تا اشکال صریح، آشکار

و شدید خشونت را در بر می گیرند، در تمام سطوح جامعه اعمال میشود، در خانواده، اجتماع و بوسیله دولت ها و اقداماتی است در خدمت بسط و گسترش تسلط یک بخش از جامعه بر بخشی دیگر ، در تمامی عرصه های اجتماعی بر اساس مناسبات طبقاتی برپا شده اند. خشونت علیه زنان فاجعه ای فراگیر و جهانشمول، و هسته اصلی سرکوب و ابزار برای فرو دست نگه داشتن زنان است
ایشان به موارد خشونت علیه زنان در ایران پرداخته و برای مثال گفتند که شواهد ثابت شده نشان می دهند که خشونت علیه زنان در قوانین، سیاست گذاری ها و سنت ها، یک امر ساختاری و یک بیماری همه گیر بومی شده در ایران است.

دکتر قهاری سپس به توضیح اشکالی از خشونت که تشخیص آن سخت است پرداخت عدم به رسمیت شناختن با ابعاد خرد، توهین خرد، خشونت خرد، و تهاجم خرد و در بخش دوم گفتار، ایشان به مسئله خمتخصصین و چگونگی تبلور خشونت پنهان در رابطه بین مریض و متخصصین درمان پرداختند، صحبت های خود را باین توضیحات شروع کردند که در جامعه طبقاتی، تخصص به عنوان ابزاری در خدمت طبقات مسلط اجتماعی و رژیم سیاسی حاکم قرار می گیرد و رژیم سیاسی حاکم با سیاست گذاری فرهنگی در حوزه های مختلف تخصص از آن امری صرفا برای سودجویی ساخته و همزمان به پیشبرد ..
ادامه در صفحه 20

خانم دکتر قهاری در مورد تک تک بندهای ذکر شده توضیحات تکمیل دادند
به عنوان مثال اشاره کردند که در حالی که مردان قومیت های دینی و نژادی در ایران تحت ستم قرار دارند، زنان متعلق به این گروه های نامبرده تحت ستم مضاعف هستند
در ادامه سخنرانی ، ایشان در مورد دسترسی زنان به خدمات بهداشتی - روانی اشاره کردند و گفتند در ارتباط با این مسئله باید به موارد متعدد از جمله آنچه در ادامه

میاید توجه شود.

• فقر

• عدم دسترسی به آموزش

که در مورد تک تک آنها توضیح داده شد
دکتر قهاری سپس خشونت را بعنوان ابزاری برای اعمال فشار و زور از طرف فرد یا گروهی بر فرد یا گروهی دیگر باهدف محدود کردن آزادی و اراده آن دیگری در خدمت منافع خودش توضیح داده و
خشونت علیه زنان با مضمون زیر ارائه دادند: بعد تعریفی از

خشونت علیه زنان به هر گونه عملی گفته میشود که منجر به وارد آمدن صدمات جسمی ، روانی ، اقتصادی، اجتماعی و یا جنسی شود و یا رفتارهایی که شامل اعمال قدرت و محدود کردن آزادی چه در سطح اجتماعی یا سایر سطوح زندگی خصوصی است. این خشونت در رفتار، کالم و نظرات تبلور پیدا می کند، از اشکال توهین، تهاجم،

به بهانه روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان بهاره شرفی



روی آن ببندیم و جزئی از قانون اساسی یا عرفی یک جامعه باشد.

گروهی خشونت را تولید می کنند و گروهی دیگر با فعالیت های مدنی، کنش های اجتماعی، ایجاد کمپین ها و آموزش حقوق انسانی سعی دارند جلوی تبعات خشونت تولید شده را بگیرند. وجود فقر و به تبع آن تولد ناکامی های رشته وار باعث افزایش خشونت در جامعه است.

خشونت در جوامع بی تردید سبب آسیب های اجتماعی بسیاری نظیر درگیری های فیزیکی، قتل و اعتیاد و فروپاشی های روانی خواهد شد.

کمک گرفتن از مددکاران و روان درمانگران، بالا بردن سطح استانداردهای اجتماعی در جامعه، ایجاد نشاط در جامعه، آموزش راهکارها و شیوه مدیریت خشم به کودکان و تلاش خود برای کنترل چرخه خشم در زندگی روزمره می تواند ما را به جهانی خالی از خشونت و یا با حجم کمتری از خشونت امیدوار کند. به عنوان یک انسان مسئولیت پذیر و بالغ در جامعه باید شکل های جدید خشونت در جامعه را پیدا کنیم و سعی کنیم در زندگی روزمره خود شکل و شیوه کنترل آن خشونت را بیاموزیم.

امروز وارد شدن به حریم خصوصی افراد حتی به شکل کلامی نیز یک خشونت محسوب می شود.../

خشونت در وهله اول آزادی و شان انسانی را هدف می گیرد و پیوند میان انسان ها را به نابودی کشانده و موجب گسستگی و ایجاد بدبینی در جوامع کوچک و بزرگ اعم از خانواده و محیط هایی با افکار و عقاید متفاوت خواهد شد. خاصه در جوامع ایدئولوژیکی مانند ایران که در چهاردهه؛ خشونت شکلی آشکارتر از گذشته پیدا کرده است و در تعاریف حکومتی این واژه با واژه عدالت پیوند خورده است.

وقتی یک انسان در جوامع مختلف مورد خشونت قرار می گیرد که البته فقط شامل جوامع عقب افتاده و جهان سوم هم نیست، باید به این بیاندیشیم که خشونت در یک چرخه با فردی که خود قربانی خشونت است تمام نشده و این انسان می تواند به عنوان والد در تربیت کودک خود و به عنوان معلم در مقابل دانش آموزان خود، به عنوان یک دوست در روابط دوستانه خود و حتی به عنوان یک عابر پیاده که از کنار یک انسان دیگر در خیابان عبور می کند می تواند به خشم و خشونت مشروعیت ببخشد در صورتی که خود نیز قربانی یک خشونت بوده است.

مسئله اصلی که باید درباره آن تفکر بیشتری داشته باشیم این است که خشونت را انسان بر انسان اعمال می کند یعنی از سیاره ای دیگر نیامده است و موجودات فضایی خشونت را بر جامعه ما روان نمی کنند. امروز خشونت شاخه های زیادی را شامل می شود. به زعم من دیگر نمیتوان به نظریه هایی مانند هلن فرایا در کتاب "خشونت" پرداخت.

او در ابتدا سعی دارد با ریشه شناسی واژه خشونت و فاصله گذاری این مفهوم با مفاهیم هم جوار هم زور، اقتدار، قدرت و... مرزهای جدایی پذیری را مشخص کند.

در صورتی که برای جامعه امروز تمام این مفاهیم تعبیر خشونت است. نکته اصلی که باید به آن فکر کنیم این است که خشونت در هیچ کدام از قرائت های قدیم و جدید مشروع نیست. حتی اگر چشمانمان را بر

خشونت علیه زنان که خود یکی از موارد نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی زنان در جامعه است، لازم دیدم واژه "خشونت" را که واژه ای تاریخی است و در تمام دوران و اعصار در جامعه بشری حاضر بوده است را به دور از نگاهی جنسیتی مورد بررسی قرار دهم.

واژه "خشونت" درست در اصلی ترین ساختارهای جوامع وجود داشته و فرمان این واژه در طول تاریخ به دست انسان بوده است.

از دهه هفتاد میلادی توجه و پژوهش ها در رابطه با خشونت و تاثیرش بر جوامع آغاز شد.

امروز تعریف خشونت نسبت به گذشته گسترده تر شده و انسان با شناخت حقوق خود سعی بر این دارد روبروی این واژه بایستد. اما باید گفت خشونت همراه با رشد جوامع، تعریف شده و شکلی مدرن تر پیدا کرده است.

برای مثال در گذشته برده داری امری معمول بود و به مرور تبدیل به مصداق خشونت شده است. امروز اما زمانی که خیال می کنیم در جامعه ی مدرن برده داری وجود ندارد؛ میل و ابرام به حفظ قدرت در قرائتی اقتدارگرا توانسته است انسان را در فشارهای اجتماعی و اقتصادی قرار دهد و اعمال خشونت بر افراد جامعه را برای حفظ یک گستره به واقع فاسد به عبارتی روزمره بدل کند.

سایت نشریه رهایی زن

<https://>

rahaizanorg.blogspot.com

به سازمان رهایی زن پیوندید

برگرامیداشت روز جهانی منع خشونت علیه زنان
سحر باباسلجی



همانطور که میدانید روز ۲۵ نوامبر هر ساله بعنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان نامگذاری شده است، به طبع بسیاری از زنان در گوشه کنار جهان به خاطر جنسیت شان همواره به عناوین مختلف مورد آزار جسمی و روحی قرار میگیرند، متأسفانه در کشور ایران و بسیاری از کشورهای اسلام زده مانند افغانستان و پاکستان زنان و دختران به بهانه های مختلف مورد خشونت و آزار و اذیت

خواهد همسری انتخاب کند پدر و یا برادر به مخالفت بر خیزند، و با اعمال خشونت بستری را فراهم کنند که یا دختر خودکشی کند و یا به قتل برسد، چرا که در زمانه ای که ما زندگی میکنیم دوره ای نیست که به زور اجبار و خشونت به دختران خود اعمال نظر کنیم و در نهایت مرگ و یا خودکشی را نظاره کنیم در این چند ساله کم نیستند که به واسطه همین دلایل بسیاری دختران به قتل رسیده اند که آمار بی بس تکان دهنده است هم خودکشی دختران و زنان و هم به قتل رسیدن این قشر مظلوم و بی دفاع که خیلی آسان جان میبازند، و بواسطه این قوانین پوسیده و ارتجاعی بیرحمانه باید از صحنه روزگار محو شوند، به نظر من بسیاری از نهاد های حقوق بشری و نهاد های که برای زنان آسیب دیده کار میکنند، باید بیش از پیش فعالیت کنند و محکم و جدی به مقابله با این کشت و کشتار بیرحمانه بر خیزند، تا هرچه سریعتر این معطل از میان برداشته شود و زنان و دختران این مرز و بوم در آسایش و امنیت به زندگی خود ادامه دهند/.

قرار می گیرند مشخص است بخاطر پیروی از قوانین ارتجاعی و پوسیده عصر حجری تحت عنوان اسلام متأسفانه بسیاری از زنان قربانی این سیستم عقب افتاده میشوند. در همین چند سال اخیر ویا حتی چند ماه گذشته چندین زن و دختر قربانی خشونت خانگی شدند در کشور ایران و افسوس که هر روز بیش از گذشته زنان و دختران زیادی تحت عنوان ناموس پرستی بواسطه محارم خود یا پدر یا برادر و یا همسر خود به قتل رسیدند شوربختانه کسانی مانند، رومینا، صبری نعلبندی، نگین شیخی و.... چندین موارد دیگر قربانی خشونت های خانگی شده و به قتل رسیده اند چرا باید شرایطی جور شود که زنان و دختران حتی در خانه خود احساس امنیت نکنند، و هر لحظه بیم آن رود که زن یا دختری د. خانه خود به قتل برسد، چرا باید در عصری که ما زندگی می کنیم عصر اینترنت و تکنولوژی بسیاری از زنان و دختران ما در ایران بیشتر آگاه و بیدار هستند، مثلاً دختری اگر باب دل خود

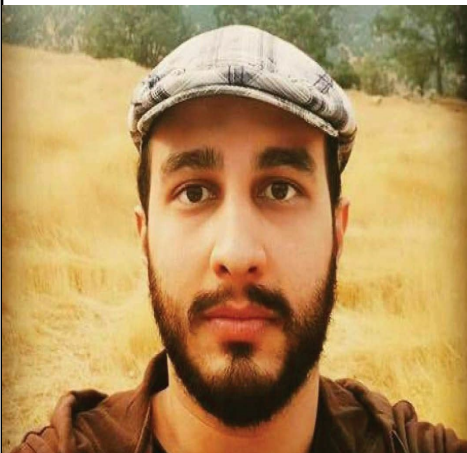
پیام ویدا ساغری به مردم افغانستان و جهان
بمناسبت روز جهانی محو خشونت به زنان
مصادف با یکصدمین روز حاکمیت منحوس
طالبان بر افغانستان



۲۵ نوامبر روز محو خشونت علیه زنان در جهان است. این روز مصادف است با صدمین روز حاکمیت اسلامگرایان گروه طالبان در افغانستان. گروهی که چوب چوبانی، اسلحه آنهاست و چیزی از سیاست و دمکراسی و حقوق زنان، حقوق کودکان و حقوق انسانی نمی دانند. آزادیهای مدنی، آزادی بیان پیش آنها معنایی ندارد. متأسفانه دولتهای جهان افغانستان را به دست چنین گروههایی دادند. افغانستان یک خطه ی زن ستیز است، با زنان مثل فرخنده رفتار میکنند. زنان افغانستان بیشترین مرگ و میر را دارد. زنان افغانستان از حق تحصیل، کار، و حضورشان در جامعه محروم شده اند از حق اشتراک اقتصادی و سیاسی محرومند. در افغانستان کودکان مورد آزار جنسی و انواع خشونتها را تجربه میکنند. ۲۵ نوامبر امسال روز سیاه تاریخی در تاریخ حقوق بشر جهان است. در این روز زنان افغانستان باید یکصد و متحد در کنار همدیگر بایستند و افراط گری سنتی و مذهبی و برقع را کنار بگذارند. گروه تروریستی طالبان به بچه در شکم مادر رحم نکرد، به دختران زیر سن رحم نکرد، به دانشجویان رحم نکرد و جوانان را کشتند. در چنین روزی مردم افغانستان باید در کنار دمکراسی و آزادی بیان بایستند و علیه جهالت و افراطیون بجنگند. من فکر میکنم این روز یک آغاز تازه ای باشد برای زندگی مدرن و برای حق حیات و دمکراسی. ۲۵ نوامبر را جدی بگیرید و نگذارید طالبان بیشتر از این به حاکمیتش ادامه دهد/.

هیراد پیرداتی را آزاد کنید

جای فعالین کارگری زندان نیست



هیراد پیرداتی را آزاد کنید!
#FreeHirad

پیام فریبا رشیدی

با سلام های بسیار گرم خدمت بینندگان تلویزیون رهائی زن. ۲۵ نوامبر روز محو خشونت علیه زنان است به همین خاطر این روز را ۲۵ نوامبر نامگذاری کردند که ۳ خواهر فعال سیاسی به اسم خواهران میرابل در جمهوری دومینیکن به طور وحشیانه ای ترور و کشته میشوند. سازمان بین الملل در سال ۱۹۹۹ این روز را ۲۵ نوامبر روز محو خشونت علیه زنان نامگذاری کردند. من در این ویدیو میخواهم به انواع خشونتهای جنسی اشاره بکنم.



تجاوز جنسی، حملات جسمانی و کتک زدن، قتل‌های ناموسی، به کار بردن الفاظ رکیک در رابطه با زنان نگاه به عنوان ابزار جنسی، احساس مالکیت به زن و خواهان نابرابری، ختنه مثله کردن جنسی زنان، ازدواج اجباری، ازدواج دختران زیر سن، فقر اقتصادی، اعدام، شکنجه و سنگسار. همانطور که میدانید در کشورهای ایران، افغانستان، کوردستان، زنان روزانه خشونتهای زیادی را تجربه و با آن دست و پنجه نرم میکنند. در این کشورها چون قانون اسلام سیاسی حاکم است و قانون های زن ستیزانه و مردسالارانه حکم دارند و در واقع قانون اساسی کشور طبق اسلام و شریعت است زنان از حق و حقوق اولیه خود محروم هستند. ما روزانه شاهد خشونتها و قتل‌های ناموسی و کشته شدن زنان و دختران جوان هستیم. در پشت سرم عکس چندین نفر از زنان و دخترانی که قوربانی سیاست زن ستیزانه اسلامی و زیر سایه ناموس و غیرت کشته شده اند را در این تابلو دارم. زنانی که طناب دار به گردن آنها اوخته و اعدام شده اند. زنهایی که توسط اعضای خانواده کشته شده اند، و همچنین زنان افغانستان که در بدترین شرایط زندگی میکنند و مجبورند برای امرار معاش زندگی دخترانشان را بفروشند. عکس فرخنده ملکزاده که چند سال پیش توسط اسلامگرایان افغانستان جسد او را سوزاندند. اینها نمونه هایی از زنان قوربانی عقاید سنتی هستند. من در این ویدیو و در ۲۵ نوامبر امسال یاد و نام این عزیزان را گرامی میدارم و از تمام کسانی که صدای من را می شنوند درخواست میکنم که همه با هم صدای زنان و دخترانی که روزانه انواع خشونتها را تجربه میکنند و صدایشان به جایی نمیرسد. و در برابر این همه ناعدالتی و ظلم سکوت نکنیم. /

گرامی داشت ۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت بر زنان در سنندج

روز پنجشنبه ۴ آذر ۱۴۰۰ خورشیدی برابر با ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱ جمعی از زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب در این شهر طی مراسمی در کوه "ابیدر" روز جهانی خشونت علیه زنان را گرامی داشتند. در این گردهمایی یکی از زنان شرکت کننده، طی سخنانی به تاریخچه و شکل گیری ۲۵ نوامبر و اهمیت جهانی این روز در مقابله با خشونت علیه زنان پرداخت. همچنین در این گردهمایی توصیه‌های درمورد قتل‌های ناموسی در ایران و کوردستان که نشأت گرفته از فرهنگ طبقاتی و مردسالار است، داده شد. مراسم در میان احساسات گرم حاضرین و شادباش این روز جهانی به هم، پایان یافت. /



شعری از: **مهناز بدیسبان "سایه"**
 گذشتیم از کوچهای خالی و سرد
 از سایه‌ی مردمان تنها
 در جاده‌های جنگ زده
 از کنار درختان فرو افتاده
 از پنجره‌های شکسته
 و درهای ترک خورده
 میگذریم
 از کنار کفش‌های گم شده
 راه می‌رویم روی پوست سرد شب
 و می‌اندیشیم به شبی چنین دراز
 و سایه‌هایی چونین سرد

نه به قوانین ادامه صفحه 2

چرا که با مجازات‌های بسیار اندک یا گاه بدون مجازات با قاتلان زنان و دختران برخورد می‌کند. نظام و ساختار مردسالار با کمک محورهای زن‌ستیز خویش، که ریشه در دین و فرهنگ دارد، خود را باز تولید می‌کند. البته باید اذعان نمود که ریشه اقتصادی مساله هم ضروری است. زیرا نظام اقتصاد سرمایه‌داری با کم مزد یا بی مزد گذاشتن کار زنان در خانه، در استثمار و تبعیض علیه آنان مؤثر است.

از سوی دشمنی ویژه با دختر بچه‌ها، دختران نوجوان، و زنان در حکومت دینی جمهوری اسلامی، ریشه ایدئولوژیک در آموزه‌های مذهبی در دین اسلام از جمله قرآن، حدیث، و سنت پیامبر دارد. روح الله خمینی در سال 1342 وقتی صدایش را علیه انقلاب سفید شاه، بلا برد، نارضایتی اصلی او در واقع، دادن حق رای به زنان توسط شاه بود که با تلاش زنانی همچون "فرخ‌رو پارسا" به ثمر رسیده بود. پس از به قدرت رسیدن به قدرت، فرمان قتل زنانی همچون "فرخ‌رو پارسا"، زنان قاضی را از کار برکنار، حجاب را اجباری، و قوانین زن ستیزانه را در مملکت

حاکم کرد. فرهنگ مردسالاری را بیش از پیش رونق بخشید و نگاه مذهبی به زن را که از او شیئی برای ارضای جنسی مرد می‌سازد فرهنگ سازی کرد.

از آنجائیکه کلیه قوانین شریعت اسلام مردسالار و مرد محور هستند یعنی یک مرد می‌تواند چهار زن بگیرد ولی اگر زنش را با مردی دستگیر کند و هر دو را به قتل برساند مجرم محسوب نمی‌شود. مرد می‌تواند دختر خود را بکشد و مجرم شناخته نشود و فقط ملزم به پرداخت دیه باشد. همچون فاجعه دلخراش رومینا اشرفی که به طرز فجیعی به دست پدر خود به قتل می‌رسد و قاتل فقط محکوم به پرداخت دیه شده است و صدها مواردی از این خبرها که قاتلان در پناه قانون حمایت شده و بازتولید خشونت علیه زنان می‌گردند. دختران باید تمام بدن خود را از 9 سالگی بپوشانند، بدون اجازه شوهر از کشور خارج نشوند، و در صورت طلاق حضانت فرزند بالای هشت سال را به شوهر بدهند، و اگر شوهر فاقد شرایط باشد، به پدر شوهر! این فرهنگ، قانون، و جامعه مردسالار و حکومت ضد زن این گونه است که زن را سرکوب می‌کند. در حکومت

جمهوری اسلامی یک دختر بچه، هیچ حقی به عنوان یک کودک ندارد، چون او، در نگاه اسلام حاکم بر مملکت، از 9 سالگی یک زن می‌شود. حق کودکی او را چنان می‌ربایند که او حتی نمی‌تواند یک انسان باشد با تمام حقوق یک کودک!

با همه‌ی آنچه گفته شد به نظر من یکی از دغدغه‌های هر زن می‌تواند این باشد که انسان ماندن و آزاد بودن خود را باور داشته باشد. زنان زمانی می‌توانند خشونت را از زندگی شان حذف کنند که نخست خودشان را بشناسند. به باور من آزادی و انسان بودن اولین قدم برای «نه» گفتن به هر نوع خشونت است. آزاد بودن از تمام بندهایی که ما را از انسان بودن و زندگی کردن باز می‌دارد. یک انسان آزاد می‌تواند عدالت‌خواه و دادگر باشد. هر انسانی که در قید و بند هر نام و تفکری که باشد، نمی‌تواند مبارز باشد. به یقین که هیچ حکومتی، هیچ برنامه‌ای و هیچ سازمانی نمی‌تواند مانع خشونت علیه زنان باشد مگر زمانی که یک زن روشن فکر و آگاه خود را بشناسد، به نیاز، خواست‌ها و باورهای خود احترام بگذارد و دنیای عاری از خشونت را با دوستی و همدلی با دیگر زنان

اعتراضات زنان روز جهانی منع خشونت علیه زنان در ترکیه

امروز روز جهانی محو خشونت علیه زنان است و زنان در ترکیه در خط مقدم مبارزه برای حقوقی که به سختی به دست آورده‌اند در مورد منع خشونت علیه زنان امسال حضور داشته‌اند.

قتل زنان بین سال‌های 2002 تا 2009 در ترکیه 1400 بوده و در سال‌های اخیر به طور متوسط سالانه 400 زن کشته دیده می‌شود. ترکیه اولین کشوری بود که در سال 2012 این کنوانسیون منع خشونت علیه زنان را تصویب کرد و اکنون اولین و تنها کشوری است که از آن خارج شده است.



یک زندگی انسانی و شاد و مرفه، تضمین خدمات پزشکی و آموزش رایگان برای کودکان، حمایت‌های مالی و اجتماعی ویژه به خانواده‌ها و کودکان، تضمین یک آینده روشن برای کودکان و جوانان جامعه، حداقل وظیفه هر حکومتی است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که حکومت در مقابل شهروندان و کودکان هیچ مسئولیتی برعهده نمی‌گیرد، در جامعه‌ای که کار کودکان قانونی است و به تعداد کودکان کار روز بروز افزوده می‌شود. تبعات این قانون ارتجاعی، دامن کل جامعه و خصوصاً طبقه خانواده‌های کارگری و مناطق محروم را می‌گیرد.

زنان و شهروندان متمدن این جامعه علیه این قانون قرون وسطایی می‌ایستند و اجازه بازگشت به بربریت اسلامی را به حاکمان نمی‌دهند. طبقه کارگر، زنان و کل جامعه خواستار تامین هزینه‌های آموزشی، تحصیل رایگان، حمایت‌های مالی و تامین هزینه‌های خانواده‌های محروم هستند تا هیچ خانواده‌ای مجبور نباشد فرزندانشان را برای تامین لقمه‌ای نان به خیابان بفرستد. در کشورهای متمدن راه حل چنین معضلی "سالمنندی جامعه" تنها با تامین رفاه اجتماعی، بهداشتی، قانون حمایتی از زنان در هنگام بارداری و زایمان و کاهش بیکاری تاحدودی امکان پذیر است نه با تهدید و شاکه‌شانه کشید. قطعا مردم متمدن در ایران و جوانانی که مطالبات و خواست استانداردهایشان جزو مطالبات پیشتروست، این سیاست ارتجاعی را هم مانند سیاستها و تلاشهای دیگر حکومت عقب خواهند زد. /

با وقاحتی تمام می‌گوید: "زن باید سه ویژگی سفره آرائی، خانه آرائی و خودآرائی داشته باشد".

در جامعه‌ای مردسالار با قوانین و حکومتی زن ستیز، این زن است که بعنوان مادر، تمام مسئولیت پرورش و نگهداری از کودک را به گردن دارد و وقتی حکومت‌ها خانواده‌ها را از وسایل و امکانات بهداشتی جهت بارداری‌های ناخواسته محروم می‌کند. قانون جدید "جوانی جمعیت" و سیاست فشار و مجازات برای ممانعت از بارداری و ... عملاً تعرضی دیگر به زنان و تلاشی دیگر برای به حاشیه راندن زنان، به غرق کردن آنان در بچه‌داری و خانه‌داری است. تلاشی است برای تبدیل زن به خدمتکاری بی‌جیره و موجب که شغل او نگهداری از فرزندان و اعضای خانواده و ارائه خدمات رایگان است.

سیاستی که از طرفی ظاهراً معضل بیکاری میلیونی در ایران را "حل" میکند و از طرف دیگر با حذف زنان از گردونه‌ی اقتصاد و کار، با خانه نشین کردن و تبدیل آنان به موجوداتی در حاشیه، خطر همبستگی و اتحاد زنان با هم طبقه‌ای‌های خود و قدرتمندتر کردن نیروهای اجتماعی طبقه کارگر جلوگیری می‌کنند و خطر سیاسی این طبقه را برای حکومت تخفیف می‌دهند.

آنچه که امروز مهم است و باید آنرا جدی گرفت واکنش فعالین حقوق زنان در مقابل این قانون ارتجاعی و عقب مانده است. وظیفه‌ی تمام حکومت‌هاست تا تمام امکانات بهداشتی، جلوگیری و را در اختیار زنان و متقاضیان قرار دهند. تامین

جوان سازی جمعیت، معامله ادامه صفحه ۳
انسیه خزعلی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، برای اثبات درجه توحش و بربریت حکومت اسلامی به سیم آخ‌زده و می‌گوید: "برای افزایش جمعیت، عزل منی که عملی حرام است در جامعه جرم تشخیص داده شود و با آن برخورد شود". این درجه از بیشرمی در دخالت در خصوصی‌ترین امور شهروندان جامعه، از طرف مردم متمدن در ایران و نسل جوانی که مدت‌ها است به حاکمیت اسلام و قوانین و سنت‌های پوسیده و ارتجاعی آن نه گفته و جمهوری اسلامی را به بن بست ایدئولوژیکی رسانده است، به سرعت جواب گرفت. تبدیل هذیان‌های معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، به طنز و جوک در میدیای اجتماعی، آرام‌ترین جواب مردم متمدن در ایران به ت‌رهات و اراجیف نماینده حکومت است. باید منتظر پاسخ‌های جدی‌تر در سطح اجتماعی باشند.

ظاهراً قرار است این قانون با یک تیر چند هدف را نشانه برود. از نگاه فسیل‌های شورای نگهبان، زنان "بیکار" طبقه‌ی کارگر، از آنجا که کالایی در بازار تولید نمی‌کند و ارزش اضافی برای سرمایه‌داران ندارد، اولین قربانیان این قانون هستند. از طرفی مساله‌ی "زن" در طول تاریخ حاکمیت ایران، پاشنه‌ی آشیل حکومت بوده و از این سر در حمله و دست‌درازی به زنان و موقعیت زنان ید طولایی دارند. رئیس‌ی. مزورانه، با ژست اینکه به فکر زنان و کودکان است، طرح دورکاری زنان (اسم رمز بیکاری زنان) را مطرح کرد تا بتدریج زنان را از حضور در عرصه اقتصاد خارج کند. رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ناجا



اصفهان تنها نیست

همبستگی با مردم اصفهان

اصفهان مقاومت

روز جهانی محو خشونت .. ادامه صفحه 4



رخشانه رضایان

اعتراضات خیابانی زنان در افغانستان چنین می گوید: طالبان موجوداتی بسیار عجیب اند.

از لحاظ شعور و طرز تفکر نمی توان آنان را با هیچ موجودی در روی کره زمین مقایسه کرد. آنها موجوداتی کاملا بی رحم، وحشی و ظالم اند.

هیچ درک و فهمی از حقوق کودک و زن ندارند. آنها برای تباه کردن آینده ی سیاسی اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان وارد میدان سیاست شده اند. اقلیت ها نیز از شتر این جاهلان در امان نیستند.

زمانی که مذاکرات در قطر صورت می گرفت و در آخر توافقنامه صلح میان نمایندگان آمریکا و طالبان امضا شد صدای زنگ خطر به گوش زنان فعال رسید. زیرا طبق این توافقنامه تعداد زیادی از زندانیان طالب آزاد شده و پس از یک سیاه بازی سیاسی تعهد دادند که با گروه های تروریستی قطع رابطه می کنند. اما از جایی که در طول تقریبا ۲۱ سال اخیر رفتار های نامتعادل سیاسی داشتند و بنا به تجربه بی که از حکومتداری شان داشتیم وضعیت آزادی بیان و حقوق زنان قابل پیش بینی بود.

از اینکه طالبان به آبادی و ارزشهای آزادی و بشری کج بین وبی باوراند شکی در آن نیست. طالبان از روش های مختلفی برای خاموش کردن صدای ما زنان فعال در هنگام اعتراضات استفاده می کنند. آنها از تنها اسلحه ما که اینترنت و دنیای مجازی است به شدت می ترسند. زیرا به سیاسیون جهانی

تعهد داده اند تا حقوق زنان را پایمال نکنند. برای اینکه به رسمیت شناخته شوند و روابط دیپلماتیک و تجاری شان با کشورهای دیگر برقرار شود، اکثر اوقات کوشش میکنند زمانی که ما در مقابلشان می ایستیم تقریبا خونسردی خود را حفظ کنند. اما از تصویب قانون های ضد انسانی، محدود کردن مشاغل برای زنان از محدود کردن و منع تحصیلات دختران نمی شود و از همه مهمتر مرگ های مشکوک زنان فعال نمی توان چشم پوشی کرد. ما زنان داخل افغانستان بدون هیچ پشتوانه و مصونیتی به اعتراضات خود با هزاران ترس ادامه می دهیم و نمی دانیم چه زمان نوبت از بین رفتنمان می رسد.



سمیرا حمیدی

جامعه از نمونه های بارز نقض حقوق زنان توسط گروه طالبان است.

زنان افغان که نیم نفوس افغانستان را تشکیل میدهند بعد از دو دهه زحمت و دستاورد امروز با چالش های فراوان مواجه اند. در حالیکه برخورد طالبان تبعیض آمیز و خشونت بار طالبان در مقابل زنان افغان است، اما با این وجود زنان همچنان برای حقوق اساسی و مشارکت شان دادخواهی میکنند. جامعه بین المللی وضعیت فعلی زنان و دختران را نباید نادیده بگیرند. آنها باید مستقیما با زنان افغان وارد گفتگو شده تا از واقعیت های پشت پرده مطلع گردند. اکنون زمان نیست که جامعه جهانی برای حمایت از دستاوردهای دو دهه زنان تحصیل کرده و فعال در داخل افغانستان به یاری شان بشتاند/.

ما به خاطر افکار گنبدیده ی و قانون طالبان حتی سفر به دیگر شهرهای افغانستان برای زنان بدون حضور یک مرد محرم امکان پذیر نیست. مدتیست که تصمیم داریم به شهر دایکندی و به خانه پدری ام بروم، اما امکان سفر برایم مهیا نیست.

سمیرا حمیدی، مسئول دادخواهی و کمپین سازمان عفو بین الملل، در پیوند به روز جهانی منع خشونت علیه زنان می گوید: روز بین المللی محو خشونت علیه زنان و آغاز کارزار ۱۶ روزه در حالی تجلیل میگردد که در افغانستان نیم نفوس جامعه از دسترسی به حقوق اساسی ندارند. به طور مثال عدم دسترسی حدودا ۴ میلیون دختر از حق تحصیل در مقطع لیسه در مکاتب، عدم حضور و مشارکت سیاسی زنان و ممانعت فعالیت های اجتماعی و فرهنگی زنان در



سازمان رهائی زن پیشکش سال نو میلادی را
به همه ی عزیزان، همراه، همبستگی خود و
خوانندگان محترم تبریک می گوید و سالی

سرشار از پیروزی های بزرگ و دستاوردهای ارزنده ای را برای شما آرزو مند است.

فریاد عدالت خواهی زنان در ادامه صفحه ۷

تظاهراتها خیرنگاران توسط طالبان لت و کوب شده و با خشونت و تهدید آنها را از ساحه دور ساخته اند. به این صورت مانع از پوشش خبری و انتشار گستردهی اعتراضات مان شده و می شوند. از جمله به طور نمونه می توان از لت و کوب، بازداشت و شکنجهی چند خبرنگار روزنامهی اطلاعات روز به خاطر پوشش دادن تظاهرات بانوان در غرب کابل یاد کرد.

ربودن، قتل و تیرباران کردن چهار زن فعال حقوق بشر در مزار شریف و تهدید شماری از همکارانم از جمله بازداشت فوزیه سعیدزاده فعال مدنی در کابل و هم چنان ترور و کشتن خبرنگار آریانا نیوز (نام خبرنگار) همسر بانو فوزیه وحدت همکار معترض ما و همین طور تهدید و تعقیب خود بانو وحدت توسط افراد طالبان و برخی موارد دیگری که من حالا به

توقف فوری قتل‌های ناموسی . ادامه 11

درآورد و در هر کوی و برزن جو عمومی را به نفع حرمت جان و حیات و در یک کلام حفظ و حراست جان شیرین تغییر داد؟
فریاد رشیدی؛

همیشه این جنبشهای مدنی در جامعه کردستان و شهر مریوان بوده ولی خیلی عجیب بود برای قتل ناموسی فائزه اعتراضات چشمگیری صورت نگرفت. و این دوباره به ذهنیت جامعه مرد سالاری و سنتهای عقب مانده اسلامی و سیستم حاکم بر جامعه بر میگردد. همانطور که آگاه هستید در کردستان و چند منطقه در مریوان و سنندج، فعالین و دوستهای ما فعالانه روی این قضیه کار میکنند و این مناطق را از خشونت و قتل های ناموسی پاکسازی کرده اند. تنها چیزی که من میخواهم به آن اهمیت بدهم و در تلویزیون رهایی زن که صدای زنان است به آن پردازم این است که: آموزش و پرورش هم مسولیت آموزش درست در مدارس را به عهده بگیرد و به معلمان دستور شود که آموزش درست و آگاه سازی را در جلسه اولیا و مربیان در اختیار خانواده بگذارند و آگاه سازی دهند که از خشونت علیه دختران خودداری کنند و بین فرزندان دختر و پسر فرق و جداسازی قائل نشوند و این آپارتاید و

بگیرند هیچ وقت موفق نخواهند شد که صدای ما را خاموش کنند. ما به اعتراضات مدنی مان ادامه خواهیم داد و اجازه نخواهیم داد که شرمسار نسل های بعدی مان باشیم. /

آنچه طالبان در دست دارند اسلحه برای کشتن است. ولی آنچه ما برای آن مبارزه می کنیم و در آرزوی تحقق شان هستیم عدالت، ارزش های انسانی، آزادی و انسانیت است.

ما با تمام توان برای تحقق اهداف انسانی و عدالت مدارانه ی مان مبارزه خواهیم کرد، حتا اگر از ما قربانی بگیرند. در ضمن؛ از فعالان مدنی و فعالان حقوق بشر در سایر کشورها نیز می خواهیم که صدای زنان افغانستان شوند و با راه اندازی تظاهرات ها ما را حمایت و همراهی کنند و صدای ما را به گوش جهانیان برسانند .

خاطرم نیست همه مصداقها و تایید کنندهی خشونت ها، قساوت ها، کشتارها، شکنجه ها و تعقیب های معترضان توسط طالبان اند .

به عنوان سخن آخر می خواهم بگویم که، من و همجنس های من همواره قربانی های زیادی در این کشور داده ایم و برای رسیدن به حقوق انسانی، عدالت اجتماعی و آزادی مبارزات زیادی کرده ایم .

حالا و بعد از این نیز برای تحقق حقوق، ارزش ها، عدالت و آزادی های مان ساکت نخواهیم ماند و مبارزه خواهیم کرد. اجازه نخواهیم داد تا طالبان بار دیگر ما را زیر ظلم و خشونت قرار بدهند.

فراموش نکنید که زنان امروز، زنان بیست سال قبل نیستند. طالبان هر قدر ما را تهدید کنند، خشونت کنند و یا فحش بدهند و بر ما محدودیت وضع کنند و یا حتا از ما قربانی

فرهنگ را به پایان برسانند و دختران جوان را مجبور به ازدواج نکنند و بیشتر روشنفکری بدهند. ما همچنان صدای زنان و دخترانی هستیم که مظلومانه و ناجوانمردانه زیر سایه ی ناموس و شرف قربانی میشوند. فعالیتها را محکمتر و بهتر انجام میدهم و در برابر این همه ناعدالتی سکوت نمی کنیم باید به قانونهای قرون وسطایی پایان داده شود الان قرن ۲۱ هست و جای شرمندگی است که شاهد قتل ناموسی باشیم . به امید جامعه آزاد و دمکراسی و حقوق برابر.

مریم مرادی؛

در ارتباط با آموزشها باید بگویم که بسیار تاثیر گذار بوده است و همچنین اعتراضات فعالان حقوق زنان نیز علیه خشونت و قتل های ناموسی موثر هستند. نمونه ای از فعالیت های مدافع حقوق زنان در کردستان که توانستند با برگزاری کارگاههای آموزشی و تلاشهای خود موجب توقف ختنه دختران در یکی از شهرهای کردستان باشند. مهمترین نکته ای که باید در نظر داشته باشیم این است که اگرچه قدرت در دست حکومت ها و دولت هاست و قوانین، زن ستیز هستند و یک سری باورها و سنت های رایج در خانواده ها و جامعه به نادرست بصورت فرهنگ درآمده است اما نباید دست بکشیم، ما زنان باید به قدرت و توانمندی

خود باور داشته باشیم و باید بدانیم که نیمی از جمعیت هر کشور و همچنین جهان را تشکیل میدهم. کمپین هم با همین فرضیه تشکیل شده است چون باورمندیم که ما زنان میتوانیم عامل تغییر باشیم اگر بخواهیم. چون ما زنان محدودیت ها را میشناسیم و میتوانیم از آنها گذر کنیم. همانگونه که میدانیم، مساله آموزش و آگاهی رسانی بسیار پراهمیت است زیرا که آموزش، فرهنگ را میسازد و فرهنگ دستاورد انسانهاست. توسعه انسانی از ارکان توسعه همه جانبه و پایدار است که توسعه و فرهنگ را میسازد. بنابر این مراکز فرهنگی مهمترین گذرگاه انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر است. جامعه مجموعه ای از باورهای است که از گفتار و کردار ساخته میشوند.

پس جریان فرهنگ سازی و جامعه پذیری از طریق نهادهای آموزشی تولید میشود. کمپین هم در راستای آموزش و فرهنگ سازی اقدام به تولید محتوای آموزشی نموده از جمله : جزوه های آموزشی، مطالب و مقالات که از طریق دوستان و همکاران کمپین در ایران منتشر و به دست مردم میرسد. از انجائیکه آموزش ها باید از کودکی اموخته شود بنابر این ضروری است که موضوع برابری جنسی-جنسیتی از همان ابتدا

وسیعتر و هماهنگ تر فعالیت کنند حتما نتیجه بهتری خواهد داشت. مثلا ما میدیدیم که یک جماعت یا یک محله جلوی یک اقدام را گرفته اند. خوب این باهم بودن یک جنبش را تشکیل داده و یک نفر را از مرگ نجات داده اند. وقتی بحث از قتل زنان و خشونت است پس وظیفه زنان است که سکوت نکنند و و این تابو را بشکنند. مساله آگاهی و آموزش مهم است همانطور که فریبا و مریم اشاره کردند. ما در انگلستان از آگاهی و آموزش حتی در مدارس در پلیس و ادارات و همه جاهایی که مردم کار میکنند انجام میدهم و این خیلی کمک کرده که مردم بدانند قتل ناموسی یک جنایت هست و باید ما جلوی ان را بگیریم. این مسئله میتواند در ایران هم انجام شود و پیشرفت کند. با وجود اینکه ایران یک جامعه اسلامی و ضد زن است ولی زنان امروزه آگاه هستند و همیشه معترض بوده اند حتی علیه حجاب اجباری چقدر اعتراضات گسترده بوده، همانطور که گفتم اعتراضات باید سازماندهی شود تا نتیجه بهتری داشته باشد. /

میدهند و تجمع میکنند باید یک سازمان کوچک یا بزرگ داشته باشند. در اینصورت پیشرفت سریعتر خواهد بود و نتیجه بهتری دارد. این مهم است وقتی جنبش آزادی زنان یا جنبشهای دیگر با هم ارتباط داشته باشند، تاثیر گذارتر است. مسئله دیگر که تجربه خودمان است اینکه زنان در مقابل خشونتهایی که علیه خودشان صورت میگیرد سکوت نکنند، وقتی زنان مشکلاتشان را با ما در میان میگذارند این نشان دهنده قدمهای اولیه هست که معترض هستند و نسبت به حقوق خویش آگاه هستند و از ریسک قتل ناموسی و یا ازدواج اجباری و یا هر کدام از خشونها که علیه زنان هست کاسته شود. اکنون در کشورهای اروپایی قانون ها فرق میکنند. قانون پشتیبان زنان است و این میتواند یک نقطه مثبت باشد. مثلا وقتی یک زن به سازمان ما در انگلستان مراجعه میکند، ما رسیدگی میکنیم و کارهایش را انجام میدهم و از او حمایت میکنیم. ولی متاسفانه در جامعه ایران و کشورهای اسلامی از این خبرها نیست. ولی همانطور که گفتم اگر اعتراضات سازماندهی شود جنبش زنان

به کودکان آموخته شود. از آن روزی که تفکر زن ستیزانه و مردسالار تفکیک جنسیت را در جامعه بنا نهاد در حقیقت آغازگر خشونت علیه زنان شد که از دوران بسیار دور شروع شده است. آن زمان که به نادرست واژه " ناموس" به " زن" نسبت داده شده و این تعبیر و معنای نابجا در طول تاریخ منجر به جنایت ها و فجایع دردناک علیه زنان و دختران شده است. ما باید بدانیم که معنای " ناموس"، " زن" نیست و " زنان هیچگاه ناموس نبوده و نیستند". در این فرصت از تمام وجدانهای بیدار و فعالان حقوق زنان میخواهیم که در برابر قتل های ناموسی سکوت نکنند و برای توقف و پایان دادن به این جنایت غیر انسانی همه با هم و یکصدا باشیم.

نظریه معماری؛

به نظر من دو مساله را باید در نظر گرفت یکی اعتراضات و مبارزات زنان در ایران که هیچوقت خاموش نبوده است. برای هر مسئله کوچکی اعتراضات صورت گرفته و این خیلی مهم بوده است. مسئله دیگر این است که این اعتراضات باید سازماندهی داشته باشند که وقتی دست به دست همدیگر

"خیزش رازنامه ها"

شعر از: مناز بدیسیان "سایه"

در این برهوت بی رحمی

دستان زنی بود که زمین بود و دانه بود

او پدر بود و هر ساعت

در قالب مادری فرود می آمد

در سوزینی که زنان بدون مردانند

و مردان بادشنه های تکراری بر فرق

کل سرخ و ساق سبز رازنامه می زنند

فردا با اولین طلوع آفتاب

تمام دشت پر از خیزش رازنامه هست

گزارشی از انجمن زنان ادامه صفحه ۱۲ سیاست . های اجتماعی اش می پردازد. ایشان در قسمتی از صحبت های خود گوشزد کردند که تشخیص تبعیض و خشونت علیه زنان شاید در مراقبت های بهداشتی و امدادی توسط متخصصین قابل تشخیص نباشد و نمونه هایی از این خشونت در روابط بین پزشک زنان بامریض و روان درمان گران با ..مریض ها را عنوان کردند. در بخش آخر، ایشان رو به متخصصین تاکید کردند و از آنان خواستند تا حقوق مریض را رعایت کرده، به آنان احترامگزارده و فقط .در حوزه تخصص خود کار کنند ایشان به رفتارهایی، از جمله پرخاش به مریض، تحقیر وی یا برقراری رابطه جنسی با مریض، که تعرض به مریض محسوب می . .شود اشاره داشته و در مورد همه بندهای یاد شده بطور مفصل توضیح دادند سپس به حقوق مریض پرداخته تاکید بر این داشتند که نسبت به حقوق خود آگاه باشیم - فرهنگ صدا به جای فرهنگ سکوت را رواج دهیم و "برای رسیدن به حقوق خود به طور فردی و جمعی دست به عمل بزنیم"

<https://drive.google.com/file/d/1tlf9rovwjGWBsYjSnKlsH1FX2sb42Qa/view>

توجه:

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً ممکن است این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز باشد، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن می‌خواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

مینو همتی

به رسمیت‌شناسی طالبان؛ مشروعیت‌بخشی خشونت

رویکرد نیمرخ به مناسبت 25 نوامبر، روز جهانی محو خشونت علیه زنان و صد روزگی تسلط گروه طالبان در افغانستان



شخصیت‌های سیاسی متوجه جدیت خطری شدند که زنان افغانستان تهدید می‌کرد. اما متأسفانه واقعیت تلخ این بود که آنروزها دیگر دیر شده بود.

صد روز پیش وقتی حکومت فاسد، نامشروع و بدنام اشرف‌غنی با فرار این سیاستمدار منفور بدست طالبان سقوط کرد، مردم افغانستان به ویژه زنان این کشور به صورت غافلگیرانه و در یک چشم بهم زدن خود را در کام یک وحشت ویرانگر یافتند.

در این صد روز سیاه و شوم که از حاکم شدن دوباره‌ی لشکریان جنایت و خشونت‌گری بر افغانستان می‌گذرد، جهان نظاره‌گر است که ابعاد پیش‌بینی نشده‌ای وحشت و ویرانی در افغانستان چگونه رقم خواهد خورد. تنظیم‌ها، جریان‌های سیاسی و رهبران شعاری و تا خرخره غرق در انواع فساد، همه آب شده‌اند و به زمین رفته‌اند.

اما، با این وجود این زنان افغانستان بودند که در تمام این صد روز شوم، با جدیت و استواری ثابت کردند که زنان تنها نیروهای مقاومت مدنی باقی مانده در جاده‌های کابل و چند بزرگ‌شهر دیگر افغانستان هستند. این زنان بودند که در این صد روز شوم بار بار چشم به چشم طالبان ایستادند و صدای عدالت خواهی شان را فریاد زدند.

اما سوی دیگر صد روز گذشته، تروریستان طالب بودند با تلاش و تقلا برای به رسمیت شناخته شدن از سوی کشورهای جهان و منطقه. طالبان در حالی تلاش دارند که از سوی جهان یا دستکم برخی از کشورها به رسمیت شناخته شوند که در این صد روز

تروریستی طالبان بوده‌است، وقتی حکومت اشرف‌غنی فهرست هیأت حوزه‌جمهوریت برای پیشبرد گفتگوهای صلح با طالبان را بیرون داد، زنان افغانستان به حضور حداقلی و بشدت نمادین شان در ترکیب آن هیأت اعتراض کردند. وقتی اعتراض‌های زنان راه به جای نبرد، کورسوه‌های امید زنان نسبت به سرنوشت ارزش‌ها و دست‌آوردهای بیست سال اخیر، جایش را به نگرانی‌های ویرانگر داد. در تمام مدت که خیمه‌شب‌بازی گفتگوهای صلح میان طالبان و مثلاً نمایندگان حوزه‌جمهوریت در دوحه قطر جریان داشت، زنان افغانستان همواره از روند بشدت مردانه، استخباراتی و مشکوک گفتگوها در دوحه ابراز نگرانی کردند و نسبت به احتمال معامله شدن ارزش‌ها و دست‌آوردها هشدار دادند.

شش ماه پیش وقتی بیش از ۲۵ جریان و تنظیم سیاسی در ارگ و سپیدار بدون حضور حتی یک زن دور هم نشستند و خواست‌های شان برای توافق‌سیاسی با طالبان را گردآوری و توحید کردند و از آن پس دیگر در اظهارات رسانه‌ای شان هیچ‌گاه از ارزش‌ها و دست‌آوردهای بیست سال اخیر گپ نزدند، زنگ خطر حذف و سوق شدن به فراموشی برای زنان افغانستان به صدا در آمد. اما دادخواهی زنان متوقف نشد. دادخواهی که هرچند پراکنده، ناهماهنگ و سلیقه‌ای انجام می‌شد، اما سبب شد که اکثریت نهادهای حقوق‌بشری و مدافع حقوق زنان نسبت به پیامد روند مذاکرات صلح با طالبان بر زندگی و سرنوشت زنان افغانستان هشدار بدهند. در اروپا، امریکا، کانادا و استرالیا نهادهای حقوق‌بشری و شماری از نمایندگان پارلمان و

سه سال پیش اندیشیدن به احتمال برگشت دوباره‌ی طالبان حکم مواجه‌ی ذهنی با کابوس وحشتناک را داشت. سه سال پیش وقتی حکومت دونالد ترمپ زلمی خلیل‌زاد را مأمور با صلاحیت برای پیشبرد گفتگوهای مستقیم میان دولت ایالات متحده امریکا و گروه تروریستی طالبان به کار گماشت، مجامع سیاسی افغانستان، به ویژه زنان فعال در عرصه سیاست، جامعه و فرهنگ این کشور، همزمان با نگرانی‌های جدی در قبال سرنوشت ارزش‌ها و دست‌آوردهای بیست سال اخیر، در آرزوی این بودند که شاید دونالد ترمپ و خیره‌سری‌های غیر قبال پیش‌بینی اش بر طالبان فشار وارد کند تا دست از جنگ و جنایت در افغانستان بردارند.

دو سال پیش وقتی توافقنامه سیاسی دوحه میان امریکا و طالبان امضا شد، مردم و به ویژه زنان افغانستان بیش از هر زمانی دیگر نگران عقب‌گردهای ارزشی در نتیجه امضا شدن توافقنامه دوحه شدند.

همزمان با امضا شدن آن توافقنامه که در واقع سند واگذاری افغانستان به گروه

رسمیت بشناسد.

نخست حضور شوم شان، از هیچ نوع رفتار خلاف موازین حقوق بشری دریغ نکرده‌اند. صدها شهروند ملکی را تیرباران کرده‌اند. قوانین ضد بشری بر سرنوشت مردم افغانستان به ویژه بر زنان این کشور وضع کرده‌اند. زنان را از حق کار، حق تحصیل، حضور اجتماعی، مشارکت سیاسی و در واقع از کلیه حقوق مدنی-سیاسی شان محروم کرده‌اند.

حالا با توجه به وضعیت موجود، آنچه به عنوان یک مسئولیت جدی در قبال سرنوشت جمعی پیش روی زنان افغانستان است، تلاش برای ایجاد یک لایه و کمپاین بزرگ جهانی برای پاسداری از کلیه حقوق بشری زنان در مقابل تفکر تندروانه و اعمال وحشیانه گروه تروریستی طالبان است.

وقت آن است که زنان افغانستان به قدرت جمعی شان باور کنند و همه با هم در سراسر جهان در مقابل اصلی‌ترین خواست و برنامه طالبان بایستند. طالبان با تمام تلاش و تقلای صد روزه شان هنوز نتوانسته‌اند کشوری را متقاعد کنند که تا این گروه تروریستی را به عنوان حاکمان افغانستان به

در کشورهای دوم شان دسترسی به مراجعه و مناسبات قدرت را دارند، باید مسئولیت شان در قبال این شرایط سخت و دشوار را به درستی درک کنند. همه همصدا و هماهنگ در سراسر جهان از دولت‌ها بخواهند که طالبان را به رسمیت نشناسند.

واقعیت امر این است که در شرایط کنونی، غیر از زنان افغانستان دیگر هیچ جناح سیاسی توان و مشروعیت لازم برای ایستادن در مقابل این خواست و آرزوی طالبان را ندارند. پس وقت آن است که زنان همه با هم به عنوان قربانیان خشونت، جنگ و وحشی‌گری طالبان، متحد شوند و به جای فعالیت‌های پراکنده تیمی که بیشتر از مناسبات سلیقه‌ای و محاسبات منفعت‌جویانه تیمی-تباری پهلومی‌گیرند، در

محور یک خواست مشروع و منطقی جمع شوند و یکصدا از جهان بخواهند که به پاس احترام به حقوق بشر و به پاس مسئولیت‌شان در قبال سرنوشت مردم و به ویژه زنان افغانستان، گروه تروریستی و جنایت پیشه طالبان را به رسمیت نشناسد.

زنان افغانستان باید متوجه این نکته باشند که فرصت، اعتبار و مشروعیت غیر قابل انکار این را دارند که براساس موازین پذیرفته شده حقوق بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی که افغانستان و اکثریت از کشورهای عضو در سازمان ملل متحد به آن‌ها الحاق کرده‌اند و در قبال مفاد آن مسئولیت الزام‌آور دارند، در مقابل اصلی‌ترین خواست طالبان ایستاد شوند. از سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر این سازمان و از پارلمان‌های کشورهای که به کنوانسیون اختصاصی در قبال حقوق زنان الحاق کرده‌اند، بخواهند که نباید طالبان را به رسمیت بشناسند.

زنان افغانستان امروز بزرگترین نیروی انسانی در میان جمعیت دیاسپورای این کشور را دارند. هزاران زن دانش‌آموخته افغانستان در نتیجه سقوط افغانستان بدست طالبان، در سراسر جهان مهاجر و آواره شده‌اند. و همین‌گونه هزاران زن افغانستانی که سال‌های قبل از افغانستان بیرون شده‌اند و

Nimrokh Media



nimrokhmedia.com

چه کسانی در خیابان‌های کابل اعتراض کردند

گزارشگر: حسین احمدی

چرا زنان به خیابان آمدند؟

برای نخستین بار پس از حاکمیت طالبان به یکی از کافه‌های پل سرخ آمده است. او زن جوانیست که تا سه ماه قبل پل سرخ را پاتوق فرهنگیان کابل می‌گفت و حد اقل هفته‌ی سه بار به کافه‌ها و کتابخانه‌های این محل سر می‌زد. بخاطر امنیت خود و عزیزانش نخواست نامش در این گزارش ذکر شود، ولی تأکید داشت که مخاطبان نیمرخ او را با عنوان «دختر خیابان» بشناسند. شاید این نام به کارهایش نیز صدق کند.

می‌گوید «پس از سقوط نظام جمهوری و روی کار آمدن گروه طالبان در افغانستان، زنان به عنوان یگانه قشر فعال مدنی در خیابان‌های اعتراض باقی ماندند. من یکی از همان زنانی هستم که این روزها در خیابان اعتراض می‌کنند».

دختر خیابان می‌گوید: «تا زمانی که طالبان به عنوان یک گروه تروریستی در لیست سیاه سازمان ملل قرار داشت، با آتش زدن مکاتب دخترانه و ترور زنان فعال، فرمان‌های زیادی برای محدود کردن ما صادر کرده بود، اما نخستین فرمان سیاسی طالبان پس از رسیدن به قدرت، انحلال وزارت امور زنان، ممنوعیت آموزش و حق کار زنان بود. ما باید همین امروز علیه این اقدامات طالبان ایستاد شویم، وگرنه مجبوریم تا دهه‌ها تحت حاکمیت این رژیم افراط‌گرا زندگی کنیم».

عارفه فاطمی، یکی دیگر از زنان معترض است که در تشکیل حرکت خودجوش زنان مبارز افغانستان سهم بارزی دارد. او ضمن اعتراضات مدنی در خیابان، معتقد است که زنان باید در سطح بین‌الملل نیز لابی‌گران خوبی باشند تا سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دخیل در جنگ و صلح افغانستان را قانع کنند که «طالبان را به رسمیت نشناسند و فشارهای بین‌المللی بر این گروه را افزایش دهند تا مجبور به رعایت حقوق بشر، حقوق و آزادی‌های زنان و تضمین حقوق شهروندی اقلیت‌های قومی شوند».

چه کسانی به خیابان آمدند؟

وحیده امیری، یکی از اعضای «حرکت

خودجوش زنان مبارز افغانستان» است. او قبل از آمدن طالبان کتابدار بود. او را در یک کتابخانه ملاقات کردم. خانم امیری می‌گوید «دو هفته از سقوط نظام گذشته بود، وحشت و سکوت مرگباری بر شهر حاکم بود. طاقت نیاوردم و پس از بحث و جنجال زیادی خانواده‌ام را قناعت دادم که با دوستانم ارتباط بگیرم و برای تشکیل یک گروه از زنان مبارز برای اعتراض و دادخواهی اقدام کنیم».

وحیده می‌گوید خشم و نفرت مردم از گروه طالبان قابل درک است، اما زنان بیش از دیگران خشمگین، متضرر و معترض اند. همین باعث شد که به تاریخ ۱۲ سنبله ۱۴۰۰ خورشیدی نخستین اعتراض خیابانی سازمان یافته در کابل راه‌اندازی شود: «در این اعتراض از هر قشری حضور یافت، ده‌ها زن از جوامع فرهنگی، هنری، کارمندان اداره‌های دولتی و سکتور خصوصی، دانشجویان و حتی زنان عادی جامعه حضور یافتند».

دختر خیابان گفت: «تا هنوز در کابل چهار گروه برای دفاع از حقوق زنان اعتراض کردند. ارچند ثابت کردند که همه‌ی زنان در جبهه‌ی مقابل طالبان قرار دارند ولی جای یک قشر خالی بود. «همان قشری که عارفه فاطمی نیز از آن یاد کرد: «زنان سیاست‌مدار و رهبران نهادهایی که طی دو دهه پروژه‌های میلیونی به نام زنان گرفتند».

وحیده امیری نیز گفت: «بسیاری کسانی که طی دو دهه گذشته برای حمایت، دادخواهی و توانمندسازی زنان نهادهای مختلف ایجاد کرده بودند و پروژه‌های حمایتی در عرصه حقوق و توانمندسازی زنان را اجرا می‌کردند، کشور را ترک کردند. نه تنها که در روزهای راهپیمایی کنار ما نبودند، بلکه برخی از آنان تلاش کردند از نام ما، از جنبش زنان افغانستان برای کسب شهرت جهانی و شاید پروژه‌ی دیگر سواستفاده هم بکنند».

عارفه فاطمی گفت «برای اینکه از جنبش‌های زنان و اعتراضات ما سواستفاده نشود، عدم وابستگی خود را حفظ کردیم و پول پوستر و بنرهای گردهمایی‌ها را خودمان پرداخت می‌کنیم».

برخورد طالبان با زنان معترض

دختر خیابان یکی از کسانیست که در خیابان

اعتراض شلاق طالبان بر بدنش اثابت کرده ولی هنوز مصمم است و می‌گوید «برای رهایی از ستم و سرکوب طالبان باید ایستاد شد».

عارفه فاطمی می‌گوید «جنگجویان طالبان از همان ابتدا تلاش کردند اعتراضات مدنی زنان را با ضربه‌ی شلاق، شلیک گلوله و بستن راه به روی راهپیمایان خاموش کنند. اما روزهای بعد در کابل، سپس در هرات، بلخ، بامیان، دایکندی، جوزجان، بدخشان، نیمروز، فراه، غور و قندوز یکی پس از دیگری گواه اعتراضات خیابانی زنان بود. دامنه‌ی اعتراضات زنان هرروز گسترده‌تر می‌شد و در شهرهای مختلف در کشورهای منطقه، اروپا، امریکا و استرالیا نیز مهاجران افغانستانی و نهادهای حقوق بشری در حمایت از جنبش‌های زنان در افغانستان به جاده‌ها ریختند».

او می‌گوید یکی از بدترین خطراتش این است که در جریان یکی از اعتراضات شان در جاده‌ی دارالامان «گروه البدر که از خطرناکترین قطعات انتحاری طالبان است، ما را در یک محدوده محاصره کردند و اعلام کردند گزارش رسیده که حمله انتحاری و یا انفجار صورت بگیرد، ما را سه ساعت همانجا نگه داشتند و از برقراری هرگونه تماس و ارتباط منع کردند. ترسیده بودیم که خودشان یک حمله راه‌اندازی کنند».

طالبان تنها در میدان مظاهره واکنش نشان نمی‌دهند. ضمن ارسال پیام و تماس‌های تهدیدآمیز، تا دم خانه‌ی معترضان هم رفته‌اند. خانم فاطمی می‌گوید یک بار در واتساپ پیام تهدیدآمیز دریافتیم که از من خواسته شده بود به جای پذیرفتن خطرات اعتراض، با امارت اسلامی همکاری کنم، باری نیز افراد مشکوک به در خانه‌مان آمده از مادرم تحقیقات کرده بودند و روزی که قرار بود با مته نودسن، معاون دفتر یوناما در افغانستان دیدار کنیم، نزدیک دفتر یوناما رسیده بودیم که از یک شماره ناشناس تماس گرفتند و تهدید کردند «اگر به دفتر یوناما رفتید زنده به خانه بر نمی‌گردی!»

چون عارفه هماهنگ کننده‌ی این نشست بود با همکارانش از آدرس حرکت خودجوش زنان مبارز افغانستان با معاون یوناما ملاقات کردند. می‌گوید «وقتی از دفتر یوناما برگشتیم مستقیم رفتم در یک رستوران و لباسم را

عوض کردم و با تغییر مسیر به خانه برگشتم».

دختر خیابان می گوید «بسیاری از زنان معترض با همین نوع تهدیدات مواجه هستند و هرکدام ممکن است در این راه تاوان بپردازند، هم اکنون بسیاری ها در خانه های خودشان نیستند، چون اعتراضات خیابانی زنان بر سیاست و اعتبار طالبان تأثیرگذار واقع شده است».

تأثیر اعتراض

عارفه می گوید پس از 15 اگست (روز سقوط کابل) ما زنان مانده بودیم و گروه طالبان که اکنون فرمان های شان علیه زنان از ارگ کابل صادر می شد. طالبان حقوق زنان را گروگان گرفتند، خواستند بر سر مسایل حقوق بشری شهروندان با جهان معامله کنند که «حقوق زنان را رعایت می کنیم اگر ما را به رسمیت بشناسید» ولی زنان ایستادند و تأکید ما این است که نباید حقوق زنان گروگان وجهی سیاسی طالبان بماند. عارفه فاطمی می گوید ما/زنان نیز خواست داریم «تا زمانی که گروه طالبان این خواست های زنان را در نظر نگرفته و حقوق ما را به رسمیت نشناخته، جامعه جهانی نیز طالبان را به رسمیت نشناسند».

تمامی معترضان در داخل و خارج از کشور خواست های مشخصی داشتند که برجسته ترین خواست آنها از جامعه جهانی «به رسمیت نشناختن طالبان به عنوان حکومت مشروع افغانستان» بود. این معترضان از طالبان نیز خواست های مشخصی داشتند، از جمله: 1. «حق آموزش زنان»، 2. «حق کار زنان»، 3. «مشارکت سیاسی زنان» و 4. «آزادی های فردی-اجتماعی».

دختر خیابان می گوید شاید کشورهای منطقه و جهان بیشتر به منافع ملی و سیاست خارجی خودشان بیشتر ارزش قائل باشند تا ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر در افغانستان، اما «به نظر می رسد اعتراضات زنان نیز در به رسمیت شناخته نشدن طالبان تأثیرگذار بوده، زیرا این حرکت ها نشان می دهد که ادعاهای طالبان در مجامع بین المللی دروغ است و نصف نفوس جامعه/زنان بدون قید قومیت، زبان و مذهب حاکمیت طالبان را قبول ندارند».

«برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان به امید طالبان نباید نشست» مرتضی احمدی

از مسلط شدن گروه طالبان بر افغانستان و فرار اشرف غنی، بیشتر از سه ماه می گذرد. جامعه جهانی و نهادهای مدافع حقوق بشر بارها ابراز نگرانی کرده اند که در این مدت شهروندان افغانستان از نگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار اختلال شده اند، یک شبه تمام رویاها و برنامه های مردم از بین رفته و همگی در یک شوک بزرگی فرو رفته اند.

پیوند افزایش خشونت علیه زنان با تسلط گروه طالبان

مدافعان حقوق زنان بر این باور اند که به سه دلیل نباید منتظر دادرسی خشونت ها علیه زنان در مراجع طالبان باشیم.

نخست، از این نگاه که با مسلط شدن گروه طالبان مشکلات زیادی از قبیل فقر و بیکاری و عدم دسترسی به خدمات عامه مثل صحت و آموزش گسترش یافته است، زنان کار و منابع درآمد شان را از دست داده اند؛ خشونت در محرومیت بیشتر است.

دو دیگر، همزمان با اینها نهادهای عدلی و قضایی و مراجع حقوق بشری که در راستای حمایت از زنان کار می کردند منحل شده اند.

در نبود یک قوهی مدافع، طبیعی است که زنان بیشتر قربانی خشونت شوند.

از سوپی هم، گروه طالبان پیوند ناگسستنی با خشونت دارند، وقتی یک گروه با خشونت به قدرت می رسند و برای حکمرانی به جای قانون از خشم کار می گیرند، بدون شک که خشونت در سطح جامعه نیز افزایش می یابد و اعمال خشونت تبدیل به یک فرهنگ می شود، چه رسد که در افغانستان که پیش از این نیز سالانه تا پنج هزار قضیه خشونت علیه زنان رسانه ای می شد.

خشونت علیه زنان در بامیان

در هفته های گذشته فعالان حقوق زن در بامیان در یک گردهمایی اعتراضی علیه طالبان گفتند که «بعد از به قدرت رسیدن طالبان زنان از تمامی حقوق انسانی شان محروم گردیده و به انزوا رفتند، متأسفانه همزمان ما شاهد افزایش خشونت های فامیلی، فقر، بیکاری فروش دختران و اطفال، ازدواج های زیر سن و روانی شدن بخش اعظم از جامعه خود هستیم».

نظیفه حیدری، خبرنگار و فعال حقوق زن در بامیان به نیمرخ گفت: «با آمدن گروه طالبان زنان در حبس خانگی به سر می برند. طالبان اندیشه زن ستیزانه و دید بدبینانه نسبت به زنان دارند».

او افزود که «اکثر زنانی که نان آور خانواده بودند با آمدن طالبان مجبور به خانه نشینی

شده و دیگر هیچ مجالی برای کار ندارند». در این اواخر در بامیان خشونت های زیادی علیه زنان دیده می شود. از جمله در یک ماه اخیر اجساد دو زن در مرکز این ولایت پیدا شده است. جسد اولی در 11 عقرب در حالی پیدا شد که حلق آویز شده بود. جسد دومی در 26 عقرب به صورت برهنه در داخل «کمپل» پیچانده شده در منطقه «تپه جلال» از مربوطات مرکز بامیان پیدا شده بود. پیدا شدن این جسدها افزایش خشونت حاد علیه زنان را نشان می دهد.

اما به دلیل عدم فعالیت نهادهایی که در راستای محو خشونت علیه زنان کار می کردند، به ویژه در غیبت کمیسیون مستقل حقوق بشر، دیگر آمار دقیق از موارد خشونت علیه زنان ثبت نشده است.

در ولایت بامیان آمار مشخصی ثبت نشده چون اکنون هیچ نهاد و مرجع قانونی برای حمایت از زنان وجود ندارد، اما طبق آمار سازمان ملل متحد که روز 25 نوامبر منتشر کرد، حدود 90 درصد زنان افغانستان قربانی خشونت می شوند ولی یوناما پیش بینی کرده که این رقم با همه گیری کرونا و تسلط طالبان بیشتر نیز شده است.

منصوره واثق مدافع حقوق زنان به نیمرخ گفت: «با آمدن گروه طالبان در بامیان، حاکمیت قانون و امنیت از بین رفته است و مردان و سایر اعضای جامعه به خود شان اجازه می دهد تا هرگونه خشونتی که

خشونت در برابر کسانی که دست به خشونت علیه زنان می‌زنند، از طریق شوراها و بزرگان محل اقدام کنند. چون عملاً هیچ نهادی برای دادرسی زنان و رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان وجود ندارد.»

خانم حسینی نیز تأکید دارد که «نباید به امید طالبان بنشینیم تا آن‌ها به قضایای خشونت علیه زنان رسیدگی کنند. چون این‌ها هیچ دانش و تخصص در موارد حقوقی ندارد و مسایل حقوق بشری را مردود می‌دانند. با توجه به افزایش کشتار و لت‌وکوب زنان در سه ماه اخیر، در صورتی که خود مردم و شوراهای محلی در مورد جلوگیری از خشونت علیه زنان اقدام نکنند در آینده ما شاهد خشونت‌های بی‌رحمانه‌تر و قتل‌های زیاد زنان در بامیان و همین‌طور در سراسر افغانستان خواهیم بود.»

کینه‌ای که از طرف مقابل دارند، ممکن است دست به هرگونه خشونت بزنند.»

«برای رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان به امید طالبان نباید نشست»

منصوره واثق بر این باور است که «قبلاً برای کاهش خشونت علیه زنان نهادهایی وجود داشت که به مردم در مورد سرچشمه خشونت، راه‌های جلوگیری از اعمال خشونت و پیامدهای بد خشونت علیه زنان آگاهی‌دهی می‌کردند ولی با عدم فعالیت این نهادها فقط می‌شود از طریق رسانه‌های جمعی در این موارد آگاهی‌دهی شود و همچنان چهره‌های متنفذ و اثرگذار به تبلیغ عدم خشونت بپردازند.

لطیفه حسینی در مورد پیگیری قضایای خشونت می‌گوید «فعلاً باید قربانیان

خواستند علیه زنان انجام دهد. چون هیچ نهادی نیست که از این‌ها سوال کند که چرا چنین کاری انجام داده‌اید.»

خانم واثق افزود که گروه طالبان باید نسبت به حقوق زنان حساس و مسئول باشد و به نهادهای مدافع حقوق بشر که در عرصه کاهش خشونت و رسیدگی به قضایای زنان کار می‌کردند اجازه فعالیت بدهد.

لطیفه حسینی، وکیل مدافع و فعال حقوق زنان ابراز نگرانی کرد که «ما در آینده شاهد افزایش خشونت‌های فیزیکی، قتل و... خواهیم بود. زیرا اکثر افرادی که در طول چند سال اخیر به جرم قتل، تجاوز و دیگر انواع خشونت علیه زنان توسط نهادهای عدلی و قضایی مجازات و زندانی شده بودند، با آمدن گروه طالبان از زندان آزاد شدند. حالا نگرانی این است که زندانیان آزاد شده به دلیل



اخبار

گرامیداشت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان در شهر مریوان

بنا به گزارش دریافتی از شهر مریوان، بعد از ظهر امروز چهارشنبه ۳ آذر ۱۴۰۰ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۲۱ جمع چشمگیری از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب این شهر به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان در " پارک ملت " شهر مریوان اقدام به تجمع و گردهمایی نمودند.



تجمع کنندگان با گرامیداشت یاد و خاطره زنان جانباخته چه در خشونت و سرکوب دولتی و چه در خشونت خانواده و جامعه که محصول مناسبات و فرهنگ طبقاتی و مردسالار با حمایت مذهب است، و چه در نبرد برای رهایی و برابری جانباخته‌اند، یاد همه زنان مبارز و برابری طلب را ارج نهادند. در این گردهمایی در مورد مسائل و معضلات جامعه و بویژه مسائل زنان، خشونت علیه زنان، تشکل مستقل زنان و ویژه‌گی آن و دیگر معضلات امروز جامعه بحث و تبادل نظر انجام گرفت و بر اراده جمعی در نبرد متحدانه زنان و مردان آگاه و برابری طلب در ضدیت با خشونت علیه زنان تأکید شد.

شناگر سوری به دلیل نجات پناهجویان گرفتار در دریا، محاکمه می‌شود



دادگاهی در یونان یک شناگر معروف سوری و ۲۳ داوطلب دیگر را به دلیل نجات پناهجویان گرفتار در پهنه دریا محاکمه می‌کند. رسانه‌های عربی گزارش دادند، دادگاهی در جزیره لیسباس یونان محاکمه ساره ماردینی یکی از شناگران معروف سوری که به آلمان پناهنده شده است را به همراه ۲۳ داوطلب دیگر به اتهام نجات شماری از مهاجران غیر قانونی از غرق شدن آغاز کرده است.

پ.ن: دنیای کثیف سرمایه داری همین است فرد ناجی را به جرم نجات جان انسان‌ها محاکمه می‌کنند و هرجا اروپایی یان به نفع شان باشد دم از دموکراسی و حقوق بشر و ژشت انساندوستی می‌گیرند. چاره کار ویران کردن نظام سرمایه داری ست.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

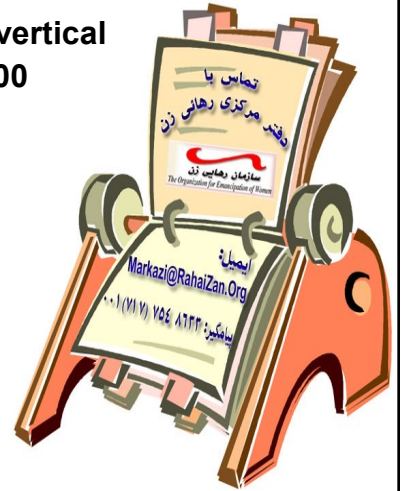
@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: minohemati@gmail.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzaei.p@gmail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com